

نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران

www.afsaran.ir

سال سوم - شماره بیستم و یکم

سه شنبه ۹ دیماه ۱۳۹۳



ارزش ، اولویت تغییر در فرهنگ

بیا از مُردن حرف بزنیم

فریب های دوست داشتنی

میخواهند کودک قصه پادشاه را هم لخت کنند

مصاحبه با کاربر افسران Omidomidi





دنبوشته ای از:  
sepehra

# برای حضرت نابالغ

جانا خبرت هست که، حافظ هم، دیگر حوصله انگشتان خسته ی ما را ندارد...  
آنقدر که فال بزنیم، مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید؟  
یا بخوانیم، رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند؟  
میدانی حتی، آنقدر تاب در دلمان نمانده که، بگوییم بیا؟

بیا و در بادیه ی کویری چشمان خشک شده ی ما،  
بنشین و زلالی وجودت را نور دیده هامان کن...

سالهاست هر کدامان شده ایم زلیخایی که،  
حقیقت آمدنت را در زندان نفس خویش، اسیر کرده ایم...  
و در افسانه های پوچ، آمدنت را؛ به انتظار نشسته ایم...  
و مدام نقشه می کشیم که این جمعه که برسد،  
تو از راهی دور خواهی آمد و دنیای ما سپید میشود...  
سپیدتر از نور...

دریغا که هر روز، بر زبان تو را فریاد میکنیم و در دل سکوت، انتخابمان جز توست...  
و چنین است که، زوال خورشید هر جمعه،  
غرق در اندوه بی لیاقتی هایمان به سوگ نیامدنت می نشینیم...  
و باز همچنان غافلیم...

غافل از این که، تو تنها راه نجاتی و ما راه آمدنت را با عصیان، بر خویش بسته ایم...  
یوسف دل؛ کاش در کنعان خاکی این روزگار؛  
آنقدر بی گناه، عمر کنیم که تو تعبیر خواب چشمهای بی پناهمان شوی...





Baran ..... سردبیر

Afsarejavan ..... همکاران این شماره

Afsar0313

Alitahha135

Arezou

Azadandish

Hamase

Khademoshahid

Mahdiyar85

Mamitavanim92

Matinemami

Mehdi

Mim. z

Msabpeykar

Ostadnovin

Parasto

Parvaz77

Peimane

Ruqayyah69

Sepehra

Setia

Zaerezohoor

Zarfiat92

nashrie\_afsaran@mihanmail.ir : رایانامه:

nashriye-afsaran.mihanblog.com : وبلاگ :

## فهرست

- ۲ ..... برای حضرت باران
- ۴ ..... سرمقاله
- ۵ ..... کلام امام
- ۶ ..... رژیم صهیونیستی در محاصره ستاره ۶ پر
- ۷ ..... گرافیک اطلاع رسان
- ۸ ..... میخواهند کودک قصه پادشاه را هم لخت کنند
- ۱۰ ..... ولایت بدون سانسور
- ۱۱ ..... نگارستان
- ۱۲ ..... غرب وحشی
- ۱۴ ..... جریان شناسی رسانه (روزنامه اطلاعات)
- ۱۶ ..... ارزش؛ اولویت تغییر فرهنگ
- ۱۸ ..... گزارش تصویری پیاده روی اربعین
- ۲۰ ..... هویت ملی و مؤلفه های آن
- ۲۲ ..... فریب های دوست داشتنی
- ۲۴ ..... وصیت نامه شهید محمود دایه علی
- ۲۵ ..... خاکپان افلاکی
- ۲۶ ..... کلیپ های تصویری
- ۲۷ ..... کلیپ های صوتی
- ۲۸ ..... ۹دی؛ پاسخی دندان شکن به گناهنا بخشودنی
- ۲۹ ..... بیا از مردن حرف بزنیم
- ۳۰ ..... تولیدات طنز افسران
- ۳۱ ..... اخبار افسران
- ۳۲ ..... داستانک (بچه مثبت)
- ۳۳ ..... مصاحبه با کاربران
- ۳۶ ..... احکام
- ۳۷ ..... اشعار افسرانی
- ۳۸ ..... برگی از بهشت
- ۳۹ ..... دلنوشته



بسم الله الرحمن الرحيم

قرار بود مذاکرات هسته ای تا سوم آذرماه ۹۳ به نتیجه برسد و توافق نهایی حاصل گردد اما بنا به دلایل مختلف این نتیجه حاصل نشد و تیم دیپلماسی دست خالی از وین برگشت .

نتیجه جلسات وین توافق جدیدی بود که بر پایه تمدید توافقنامه ژنو برای ۷ ماه شکل گرفت . این توافق مورد حمایت طرفین مذاکره کننده قرار گرفته است . این ۷ ماه می تواند فرصت مناسبی برای هر کدام از تیم های درگیر مذاکرات باشد تا شرایط را به نفع خود پیش ببرد .

فارغ از مثبت و منفی های توافقات حاصل شده و میزان توانمندی تیم ایرانی در چانه زدن های گذشته باید امیدوار بود این تیم در روزهای حساس پیش رو لاقلاً از فرصت های پیش آمده حداکثر استفاده را برای کسب موضع برتر در مذاکرات ببرد . در شرایط موجود که آمریکا غیر از مسائل هسته ای از ابزارهای جانبی مثل ناامن سازی کشورهای همسایه ایران ، کیه بر قطعنامه های حقوق بشری علیه ایران و فشار رسانه ای در مورد تسلیحات ایران بخصوص تسلیحات موشکی برای تاثیرگذاری روی تیم ایرانی بهره وافی می برد ، تیم ایرانی نیز باید از نقاط ضعف حریف حداکثر استفاده را ببرد تا بازنده عملیات روانی اعمال شده بر فضای مذاکرات نباشد .

در روزهای اخیر اخبار مختلفی از افشای مشکلات و جنایت پنهان آمریکا منتشر میشود که می تواند تبدیل به برگ برنده ای برای مجموعه دیپلماسی کشورمان باشد :

- ۱- انتشار گزارش کمیته اطلاعاتی سنای آمریکا درباره شکنجه در سازمان سیا
- ۲- افزایش موج اعتراضات مردم آمریکا به نژادپرستی موجود در این کشور و خشونت های جنایتکارانه پلیس ایالات متحده علیه مردم . طبق گزارش اسوشیتدپرس سالانه ۴۰۰ آمریکایی توسط پلیس این کشور کشته میشوند که اغلب کشته شدگان سیاه پوست هستند .
- ۳- انتشار اسناد ترورهای «سیا» توسط ویکی لیکس که اثبات می کند ترور» بخشی از سیاست های نهادینه شده آمریکا است.
- ۴- جنگ پنهان با روسیه سر مناقشات اوکراین و سوریه و مقابله روسیه
- ۵- رقابت اقتصادی شدید با چین که طبق گزارش صندوق بین المللی پول در سال ۲۰۱۴ به عنوان قدرت برتر اقتصادی جهان جای آمریکا را در این رتبه می گیرد .
- ۶- ناامنی های داخلی اسرائیل و اعتراضات ساکنان سرزمین های اشغالی به سیاست های دولت آن علاوه بر ناامنی های ایجاد شده از خارج آن توسط نیروهای حزب الله و جهادی . این موضوع از این لحاظ حائز اهمیت است که امنیت اسرائیل در منطقه هدف اصلی آمریکا است .

اگر دولت و مجموعه دیپلماسی آن بتوانند از این شرایط استفاده بهینه را ببرند احتمال پیروزی در مذاکرات با شیطان به مراتب تقویت خواهد شد . داشتن موضع حق در برابر زیرپا گذاشتن حقوق بشر توسط آمریکا و ایجاد مطالبه گری در افکار عمومی جهان نسبت به این موضوع ، استفاده از اختلافات روسیه و چین در مقابل آمریکا و تلاش برای هرچه بیشتر ناامن کردن اسرائیل با تقویت جهادگران در کرانه باختری می تواند به سرعت آمریکا را در موضع ضعف قرار دهد و ابتکار عمل را از او بگیرد .

امیدواریم دولت محترم به جای تمرکز بر حمله به منتقدان داخلی و میدان دادن به قلم ها و حنجره های بی ارزش و خودفروخته برای تضعیف مواضع ایران و توجه به توصیه های رهبر معظم انقلاب در مورد اقتصاد مقاومتی ، از فرصت های پیش آمد برای جبران گذشته نه چندان طولانی مدت استفاده کند و در جهت کسب عزت ملت ایران گام بردارد .



# سَهْلًا أَمْ جَلَدًا



نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران  
جمعه ۳۱ مرداد ماه ۱۳۹۳



حضور مردم در همه‌ی صحنه‌ها حضور برجسته‌ای است، آنها چه کار میتوانند بکنند؟ مردم مؤمن، مردم معتقد به مبانی اسلامی، مردم روحیه‌گرفته‌ی به برکت اسلام، در مقابل اینها کوتاه نمی‌آیند؛ لذا اینها هم عصبانی‌اند؛ حالا امروز اسمش را میگذارند انرژی هسته‌ای! وانمود میکنند که اگر ملت ایران از انرژی هسته‌ای صرف‌نظر کند، تحریمها برداشته میشود. دروغ میگویند.

از روی بغض و کینه‌ای که دارند، تحریمهای غیر منطقی میکنند؛ تحریمهایی که همه‌ی عقلا و انسانهای باانصاف عالم وقتی نگاه میکنند، میبینند اینها کارهای غیر منطقی و در واقع وحشیانه است؛ این یک جنگ با یک ملت است. البته در این جنگ هم به توفیق الهی مغلوب ملت ایران خواهند شد.

البته مشکلاتی به وجود می‌آورند، بعضی از بی‌تدبیریها هم این مشکلات را افزایش میدهد - اینها هست - ولی اینها چیزی نیست که جمهوری اسلامی نتواند اینها را حل کند. به توفیق الهی، ملت ایران از همه‌ی این مشکلات عبور خواهد کرد. ملت ایران و مسئولین کشور از این بزرگترها و دشوارترهایش را حل کرده‌اند؛ اینها که چیزی نیست...»

«...امروز دشمنان ما، رادیوها، بعضیها هم با اینها همزبان میشوند، هی مسئله‌ی تحریم را بزرگ میکنند، بزرگ میکنند. تحریم مال امروز و دیروز نیست؛ از اوائل، تحریم وجود داشته است. البته تشدید کردند، اثر نکرده؛ باز تدبیر دیگری اندیشیدند، اثر نکرده است.

تحریم از اول بوده است. امروز دشمنان ما - چه دولت آمریکا، چه بعضی از دولتهای اروپائی - تحریم را مرتبط کرده‌اند به مسئله‌ی انرژی هسته‌ای. دروغ میگویند. آن روزی که اینها تحریمها را برقرار کردند، انرژی هسته‌ای در کشور نبود؛ صحبتش هم نبود. آنچه که اینها را از ملت ایران عصبانی میکند و به اینجور تصمیمها وادار میکند، سرافرازی ملت ایران است، گردنکشی ملت ایران است. این روحیه‌ی استقلال، این روحیه‌ی قدر خود شناختن، این روحیه‌ی عدم تسلیم که به برکت اسلام و قرآن در ملت ایران به وجود آمده، این است که آنها را عصبانی میکند؛ برای همین هم است که با اسلام بدند، برای همین هم است که به پیغمبر اسلام اهانت میکنند؛ میدانند که اسلام وقتی در یک کشوری رسوخ کرد، روحیه‌ی استقلال در آن کشور آنچنان خواهد بود که دیگر زیر بار آنها نمی‌رود. آنها افراد ضعیف و زبون را در رأس کشورها یا به دست می‌آورند یا منصوب میکنند، برای اینکه از آنها اطاعت کنند. وقتی جائی مثل کشور ما، مسئولین را مردم معین میکنند،



# رژیم صهیونیستی در محاصر هشتاد و شش پر

در یک ماه گذشته به کرات از سوی مقامات تشکیلات خودگردان و به ویژه در نشست وزرای خارجه اتحادیه عرب به گوش می رسید. قطعنامه ای که ریاض منصور - سفیر فلسطین در سازمان ملل - از آن به عنوان پایه و اصولی برای دست یابی به یک توافق نهایی با رژیم صهیونیستی، مبتنی بر یک جدول زمانبندی شده برای پایان اشغالگری این رژیم یاد می کند.

شاید بتوان اولین موضع گیری محور مقاومت فلسطینی در مورد این پیش نویس را در پیام جنبش مقاومت اسلامی جستجو کرد. حماس دو هفته قبل از ارائه رسمی این پیش نویس اعلام کرده بود: ملت فلسطین که با قطعنامه تقسیم صادره در ۱۹۴۷ مخالفت کرد، هرگز هیچ حقی برای اشغالگران صهیونیست در خاک فلسطین قائل نخواهد. ما از تشکیلات خود گردان فلسطین می خواهیم که به «کمدی مذاکرات» پایان دهد.

پیامی که اگر چه با دیگر پیام های تاکید بر مقاومت تفاوت چندانی نداشت اما تاثیر بسزایی بر روشن شدن ابعاد گسترده طرح پیشنهادی عربی - اروپایی داشت. تا آنجا که اتحادیه اروپا را واداشت تا دو طرح خروج حماس از فهرست سازمان های تروریستی و به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطینی را در دستور کار خود قرار دارد. شاید بتوان اوج این بازی رسانه ای را رای مثبت اتحادیه اروپا به هر دو طرح یاد شده (بخوانید حق سکوت هایی برای محور مقاومت) هم زمان با ارائه پیش نویس یاد شده به سازمان ملل دانست.

اگر چه این طرح با موافقت دولتهای عربی - اروپایی و مخالفت آمریکا و رژیم صهیونیستی، توانایی به القوه تبدیل شدن به یک نمایش رسانه را خواهد داشت اما به طور حتم راه نجات این رژیم جعلی نخواهد بود. چرا که مفاد اصلی این طرح یعنی شناسایی رژیم صهیونیستی به عنوان دولت یهودی در اراضی اشغالی ۱۹۶۷، اسکان آوارگان در کشورهای محل سکونتشان و پرداخت غرامت و در پایان خلع سلاح مقاومت، تنها موجب تنگ تر شدن حلقه محاصره این غده سرطانی از جانب محور اصلی یعنی محور مقاومت خواهد بود. نکته ای که رهبر انقلاب، امام خامنه ای «حفظه» در سخنرانی اخیرشان پیرامون مذاکرات هسته ای ایران و ۱+۵ نیز بر آن تاکید نمودند: «چه توافق بشود چه نشود، اسرائیل روز به روز نا امن تر خواهد شد.»

در سران این رژیم جعلی می باشد اما جنگ قدرت و تلاش برای تبرئه خود در ناکامی جنگ اخیر می تواند این کابینه را به پرتگاه سقوط بکشاند. از دیگر سو اعلام چندین و چند باره مقامات آمریکایی پس از جنگ غزه بر عدم حمایت از نتانیا هو می تواند تاکیدی بر وضعیت بغرنج این رژیم باشد.

۴- کرانه باختری به عنوان محور چهارم توانسته مقامات صهیونیست را در یک وضعیت هشدار دائمی برای قرار دارد. اعتراضات و تظاهراتی که در خلال جنگ غزه آغاز شده، با توجه به جنایات جدید رژیم صهیونیستی، اکنون به یک روند ثابت در این منطقه و به ویژه شهر بیت المقدس تبدیل گشته است. تا آنجا که علاوه بر شهدا، شمار فلسطینیان بازداشت شده در یک ماه اخیر از مرز پانصد تن نیز گذشته است. این در حالی است که این رژیم هم چنان در شکستن اعتصاب غذای ۱۲۵ اسیر فلسطینی معترض به حبس های انفرادی طولانی مدت ناکام مانده است. بی نتیجه ماندن تلاش های عربستان و امارات عربی متحده جهت آرام ساختن قدس، نتانیا هو را بر آن داشت تا در اعترافی اعلام کند: «با ادامه شرایط فعلی، حماس بر کرانه باختری هم مسلط می شود.»

۵- کارشناسان سیاسی نقش سخنرانی رهبر انقلاب، امام خامنه ای «حفظه» در مرداد امسال و نیز تاکید مجدد ایشان در آذر ماه جاری بر مسلح ساختن کرانه باختری همچون غزه را دلیل اصلی محکوم به شکست بودن اسرائیل در تسلط بر این فضا می دانند چرا که با رسانه ای شدن این بیانات در رسانه های جهان، اولاً اسرائیل عملاً امکان سانسور و بایکوت خبری پیرامون وضعیت کرانه باختری را از دست داد و ثانیاً رویای آرام سازی افکار عمومی جهان به عنوان محور پنجم فشار بر این رژیم پس از جنگ غزه را به یک خیال خام بدل نمود. آنچه مسلم است در شرایط یاد شده تنها راه پیش پای رژیم صهیونیست برای نجات از این بحران، وارد کردن سربازان گوش به فرمان همیشگی اش به میدان مبارزه است.

۶- و محور مقاومت به عنوان محور اصلی محاصره. طرح پیش نویس قطعنامه پایان اشغال فلسطین و نحوه دستیابی به صلح با رژیم صهیونیستی در شرایطی روز چهارشنبه ۲۶ آذر ماه، توسط اردن - تنها کشور عرب عضو شورای امنیت - به شورای امنیت سازمان ملل ارائه شد که زمزمه های آن

ارائه پیش نویس قطعنامه پایان اشغال فلسطین، خبری بود که به سرعت در هفته گذشته مورد توجه خبرگزاری های جهان قرار گرفت. قطعنامه ای که توانسته حامیان خود از تشکیلات خودگردان، اتحادیه عرب، اتحادیه اروپا و حتی شیمون پرز را در یک فهرست بگنجانند و از دیگر سو حماس، رژیم صهیونیستی و آمریکا را علیرغم وجود وجه اشتراک، در جبهه مخالفان قرار دهد. تابستان سال جاری و همزمان با بازی های جام جهانی، رژیم صهیونیستی نقشه عملیاتی خود را برای نسل کشی در غزه به اجرا می گذارد تا با شکستن شاخه اصلی مقاومت فلسطینی یعنی حماس، اعتبار از دست رفته خود پس از شکست های مفتضحانه پیشین باز پس گیرد لیکن این هدف نه تنها محقق نگشت بلکه ایستادگی مردم مقاوم غزه، خروش کرانه باختری و شکل گیری یک ائتلاف مردمی جهانی را علیه این رژیم به همراه داشت. اگر چه در آغاز کارشناسان بسیاری بر فاجعه بار بودن پیامدهای این جنگ بر سرنوشت رژیم صهیونیستی تاکید نمودند اما به نظر نمی رسید این پیامد ها این رژیم را در یک محاصره شش محوری قرار دهند.

۱- نظرسنجی های متعدد از ساکنین سرزمین های اشغالی موید آن است که پس از جنگ اخیر غزه نارضایتی ها نسبت به اقدامات این رژیم به صورت گسترده ای افزایش یافته است. اگر چه مشکلات اقتصادی - رفاهی به عنوان دلایل اصلی اعلام می گردد اما عدم احساس امنیت در ساکنین اراضی اشغالی می تواند تیر خلاصی بر آرمان ارض موعود دولت جعلی یهود باشد.

۲- از سوی دیگر افزایش ۲۰ درصدی فرار سربازان از خدمت در ارتش صهیونیستی زنگ هشدار جدی ای را برای مقامات و فرماندهان این رژیم نواخته است تا آنجا که خاخام اعظم ارتش در جمع سربازان هراسان این رژیم اعلام می کند: «مسجدالاقصی هیچ جایگاهی در میان مسلمانان ندارد. مسلمانان برای این مسجد چه کرده اند». صرف نظر از عبارت یاد شده، بیان آن در میان سربازانی که هر روز را با هراس آغاز جنگی تازه و یا شعله کشیدن انتفاضه ای نو به سر می برند خالی از لطایف نیست.

۳- محور بعدی محاصره رژیم صهیونیستی را می توان اختلافات اعضای این دولت جعلی دانست. اگر چه تاریخ گواه عدم وجود تفاوت های بنیادی

نویسنده: ruqayyah69





# گرافیک اطلاع رسان

«رابطه با آمریکا و مذاکره با این کشور به جز در موارد خاصی برای جمهوری اسلامی نه تنها هیچ نفعی ندارد بلکه ضرر هم دارد و کدام عاقلی است که دنبال کار بی منفعت برود؟! عده‌ای اینجور وانمود می‌کردند که اگر با آمریکایی‌ها دور میز مذاکره بنشینیم بسیاری از مشکلات حل می‌شود، البته ما می‌دانستیم اینجور نیست اما قضایای یک سال اخیر برای چندمین بار این واقعیت را اثبات کرد.

آمریکایی‌ها نه تنها دشمنی‌ها را کم نکردند بلکه تحریم‌ها را هم افزایش دادند! البته می‌گویند این تحریم‌ها، جدید نیست اما در واقع جدید است و مذاکره در زمینه‌ی تحریم هم، فایده‌ای نداشته است.»

بیانات امام خامنه‌ای در جمع مسئولان وزارت خارجه و سفر  
۱۳۹۳ / ۰۵ / ۲۲

**مذاکره با آمریکا**

یک تجربه‌ی زیقیمت دیگر برای همه بود که متوجه شویم نشست و برخاست و حرف زدن با آمریکایی‌ها مثلثاً تأثیری در کم کردن دشمنی آنها ندارد و بدون فایده است.

**مضرات مذاکره**

- این کار ما را در افکار عمومی ملت‌ها و دولت‌ها به تذبذب متهم می‌کند و غربی‌ها با تبلیغات عظیم خودشان، جمهوری اسلامی را دچار انفعال و دوگانگی جلوه می‌دهند.
- ایجاد زمینه برای طرح توقعات جدید از سوی آمریکا

**نتایج مذاکره**

- لحن آمریکایی‌ها تندتر و اهانت آمیزتر شد.
- توقعات طلبکارانه‌ی بیشتری را در جلسات مذاکرات و در تریبون‌های عمومی بیان کردند.
- افزایش تحریم‌ها.

امام خامنه‌ای (مدظله):  
عده‌ای اینجور وانمود می‌کردند که اگر با آمریکایی‌ها دور میز مذاکره بنشینیم بسیاری از مشکلات حل می‌شود، البته ما میدانستیم اینجور نیست اما قضایای یک سال اخیر برای چندمین بار این واقعیت را اثبات کرد.

تعداد: ۱۳۹۳-۵۲۲ وزارت خارجه

Shia-Art.ir | AnaAmmar.ir

برای دریافت اندازه اصلی از لینک زیر استفاده کنید  
<http://bayanbox.ir/id/392711327936917901?view>



## اگر کسی بخواهد لباس زیبای نقد بر تن کند و در عمل تخریب انجام دهد آن لباس را از تن او در می‌آوریم! میخواهند لباس هشیاری و صراحت را از تن کودک قصه هم در بیاورند!



منتقدین، به یاد پادشاه و داستانش افتادم. بیش از یکسال از عمر دولت میگذرد. قطعاً تلاش رئیس جمهور و دولت ایشان در جهت جامه‌ی عمل پوشانیدن به شعارها و وعده‌های انتخاباتی خود در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاست خارجی و... بوده است. این تلاش قابل تقدیر است. اما با ناکامی‌های نسبی ایشان در این عرصه‌ها، نظیر عدم دادن اتفاق خاصی در بهبود وضعیت معیشتی مردم، بی نتیجه بودن دیپلماسی لبخند و تعامل گرا با کسانی که منش تعاملی خود را در واژه‌هایی نظیر «تهدید» و «تحریم» اثبات کرده‌اند و... بجای اینکه دولت و شخص رئیس جمهور ضمن اظهار یک عذرخواهی خاضعانه و در عین حال بزرگوارانه به محضر مردم، به افزودن کردن تلاش‌های خود و یا اصلاح رویه‌ها در جهت تحقق وعده‌ها بپردازد، سعی کرده است جامه‌ای موهومی از عمل به تن وعده‌ها و شعارها بپوشاند و خود را موفق و کامیاب جلوه دهد. بدن عریان تدبیر و هشیاری دولت تدبیر و امید! در عرصه‌ی سیاست خارجی که توافقنامه ژنو و داده‌ها و تبعات آن (که مجال پرداختن به آنها نیست!) آنرا بخوبی عیان می‌کند، از سوی خیاطانی زبردست سعی می‌شود که طور دیگری جلوه داده شده و بر قامت آن لباسی موهوم و به خیال خود زیبا، مجلل و با شکوه

بجای به هوش آوردن پادشاه و سایرین و فریاد کشیدن لختی پادشاه، در دام عملیات روانی خیاطان حیل‌گر افتاده و به به و چه چه کنان، تبریک می‌گویند به پادشاه! و در این بین کودکی صادق و صریح و هشیار که چشم در چشم پادشاه لخت بودن او را فریاد می‌کشد...

\*\*\*

چندی پیش رئیس جمهور روحانی، در مراسم روز دانشجو و در جمع دانشجویان و دانشگاهیان و فرهیختگان، دفتر واکنش نشان دادن‌ها به واکنش‌های منتقدان خود را ورق‌های تازه زد و از آخرین نسخه‌ی توهین به منتقدین رونمایی کرد. وی منتقدین دولت را «یک عده تازه به دوران رسیده» خطاب کرد و از آنها خواست که اینقدر «نگران انقلاب» نباشند!

«یک عده تازه به دوران رسیده که البته ما به آنها هم احترام می‌گذاریم، نمی‌خواهد اینقدر نسبت به آینده و ارزشهای انقلاب و ارزشهای اسلام دل‌نگران باشند.»

پیش‌تر نیز در برگ دیگری از دفتر انتقادپذیری رئیس جمهور، در یک کنفرانس خبری در سالگرد آغاز به کار دولت، ایشان منتقدین را تهدید به درآوردن لباس نقد از تن آنها کرده بود.

از این قبیل تعابیر رئیس جمهور خطاب به

هرچقدر سعی می‌کنند جلوی کودک و فریادها و ریشخندهایش را بگیرند، نمی‌توانند.

او لبخند میزند و فریاد می‌زند که «پادشاه لخت است!» و نیشخند می‌زند و متعجب است که «چرا پادشاه لخت است؟!» و فریاد می‌زند و متحیر است که چرا همه ساکت‌اند و لخت بودن پادشاه را فریاد نمی‌زنند و به بی‌خردی پادشاه نمی‌خندند؟!!

داستان «لباس جدید پادشاه» را حتماً شنیده‌اید. پادشاهی که از خیاطانی حیل‌گر وعده‌ی دوخت یک لباس استثنائی را می‌گیرد. لباسی که جز دانایان توان دیدن آنرا ندارند و لباس خیالی مثلاً دوخته می‌شود و بر تن پادشاه می‌شود و پادشاه لخت در معرض دید همگان قرار می‌گیرد و گفته می‌شود که هر کس نتواند این لباس زیبا و فاخر را ببیند «نادان» است!

و همین اتهام کافی است تا خود پادشاه و اطرافیان وی و حتی مردم کوچه و بازار هم لباس ندیده را ببینند و بر تار و پود نداشته‌اش و طرح و رنگ موهومش آفرین و تبریک بگویند و از ترس برچسب نادان خوردن، تظاهر پادشاه لخت به لباسی زیبا در تن داشتن را با تظاهری جواب داده و



# می خواهند کودک قصه‌ی پادشاه را هم لخت کنند!

و میتواند نهایتاً منجر به آگاهی و هشیاری مردم و حتی خود پادشاه شود.

اما ماجرا آنجایی جالب و عجیب می‌شود که در ادامه‌ی سریال برچسب زنی‌ها و برخورد های چکشی جناب رئیس جمهور با منتقدین واقع بین که لباس فاخر! را نمی‌بینند، ایشان منتقدین را از طرفی «تازه به دوران رسیده» و به قولی کودک قلمداد کرده و به آنها می‌خندد و از طرفی در مورد آنها می‌گوید:

«اگر کسی بخواهد لباس زیبای نقد را بر تن کند اما عمل تخریب انجام دهد، آن لباس را از تنش در می‌آوریم و به مردم معرفی می‌کنیم و می‌گوییم این لباس، لباس واقعی نیست و تقلبی است!»

بله! این جمله‌ی رئیس جمهور بود خطاب به آنهایی که عریان بودن تدبیر را فریاد می‌زنند! آنهایی که از عریان بودن گلایه می‌کنند تهدید به عریان شدن می‌شوند. آنهایی که لباس موهوم پادشاه را نمی‌بینند و فریاد می‌کنند این برهنگی را، نه تنها بخاطر این هشیاری و صراحت مورد تقدیر قرار نمی‌گیرند که مورد تهدید هم قرار می‌گیرند که لباس هشیاری و صراحت و نقد را از تن آنها در خواهند آورد.

گویا آنکه خود لباس دارد و از بی‌لباسی گلایه میکند، مزاحم است. یا او هم باید ساکت باشد و حرفی از عریانی پادشاه نزند، یا اینکه لباس او، سلاح او، زبان نقاد و مصلح او، تدبیر و هشیاری و صراحت و شهامت او هم گرفته شود تا او هم دیگر عریان باشد و زبانش کوتاه... صد البته که کودک هشیار قصه با این تهدیدها و تشرها از میدان به در نشده و تا هشیار کردن دیگر مردم بُهت زده و حتی خود پادشاه به فریادها و انگشت نما کردن عریانی پادشاه ادامه می‌دهد. بهتر است سعی نکنند کودک هشیار قصه را منزوی کنند. که او منزوی نخواهد شد...

هدف بیداری و دوری از توهم و تخیل است. بیداری مردم و شاید هم پادشاه...

نویسنده: mahdiyar85



از عریان دیدن پادشاه بازدارند و این طور القا کنند که هرکس لباس فاخر تدبیر پادشاه را نبیند، ناگزیر با این برچسب‌ها همراه خواهد بود. هر کس لباس را نبیند، «نادان» است و باید برود به «جهنم». اصلاً آنکه لباس پادشاه را نمی‌بیند، از جایی خاص تغذیه شده و مأمور است که نبیند و «باید برود به جهنم!»

با همه‌ی این برچسب‌ها و تهدیدها و فشارها اگر چه بسیاری از اطرافیان و متأسفانه برخی از مردم خود را وادار به دیدن لباس پادشاه کرده و یا از زیبایی های لباس می‌گویند و یا اینکه ساکت اند و متحیر فقط نظاره می‌کنند، اما گروهی هم هستند که نه تنها تحت تأثیر جو تبلیغاتی پادشاه و خیاطان قرار نگرفته و لباس موهوم را تایید و تجلیل نمی‌کنند که از ترس برچسب خوردن هم ساکت نمانده و با انگشت پادشاه را نشانه گرفته و عریان بودن پادشاه تدبیر را فریاد می‌زنند.

توافقنامه ژنو را علمی، حقوقی و سیاسی نقد می‌کنند، از کرسنت می‌گویند و به غارت رفتن منافع ملی را فریاد می‌زنند. دغدغه‌های فرهنگی خود را ابزار و از اقدامات غیر فرهنگی دولت گلایه می‌کنند. از عزت بر بادرفته‌ی مردم و کشور در ژنو و توافقنامه اش و در خیابان‌ها و سبد کالایش می‌گویند.

شاید در ظاهر این جماعت، کودک به نظر بیایند و کم سواد و افراطی لقب بگیرند و به جهنم فراخوانده شوند، اما هشیاری، صراحت و شهامت آنها در بیان واقعیات و آنچه که می‌بینند، تحسین برانگیز بوده

بپوشانند. سیاست خارجی‌ای که میوه و دستاورد یکساله‌ی آن، یعنی توافقنامه ژنو و «تمدید» های پیاپی‌اش، علاوه بر اینکه مَهر انسداد بر پیشرفت علمی و تکنولوژیک کشور زد و صرف نظر از اینکه برای عزت و اعتماد به نفس ملی نقشی مخرب بازی کرد، تخیلات دشمن مبنی بر رویکرد دولت جدید در سیاست خارجی را برای وی به اثبات رسانیده و وی را گستاخ تر و بی‌شرم تر کرد.

سیاست خارجی‌ای که برهنگی فرزند آن، توافقنامه‌ی ژنو، علاوه بر امتیازات فراوان داده شده، از اجرا نشدن و قابل تفسیر و تحریف بودن مفاد آن توسط طرف مقابل، روشن شد، اما با رویکردی تأمل برانگیز نه تنها سعی شد لباسی فاخر بر اندام آن پوشانیده شود و این توافقنامه، «سر فرود آوردن غرب و شرق در برابر ایران» عنوان بگیرد، که به خیاطان آن لباس لقب «قهرمان دیپلماسی» داده شده و از آنها تقدیر و تجلیل هم می‌شود.

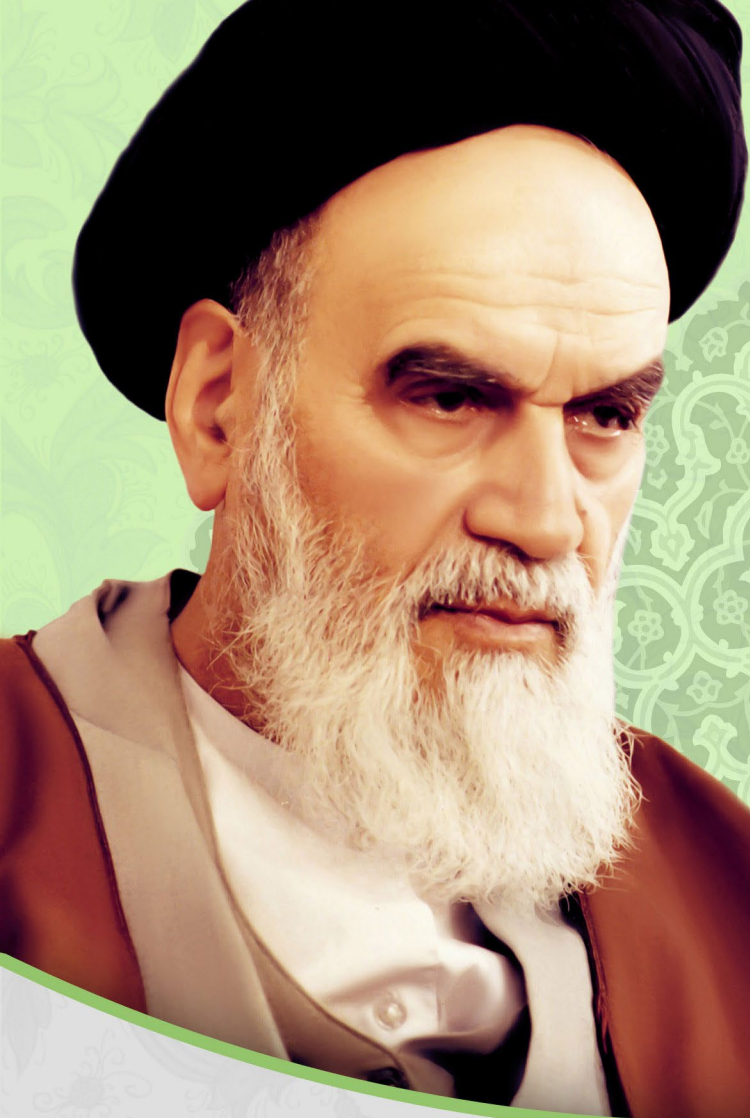
در دیگر عرصه‌ها و دیگر بخش‌های دولت، با وجود بعضی موفقیت‌ها و تدبیرها و اتفاقات مثبت اتفاق افتاده، نظیر اقدامات وزارت بهداشت، باز هم شاهد کاستی‌ها و نقایصی هستیم که شاید در نگاه اول طبیعی و برای هر دولتی وجود آنها متصور باشد، اما مسئله‌ی قابل تأمل و نامطلوب، باز هم همان رویکرد لباس تدبیر پوشانیدن بر اندام آنهاست.

وزیر نفتی که به موجب تجربه حضور وی در این جایگاه در سال‌های قبل و فساد رخ داده در آن دوران و با بازگشت مجدد وی به این وزارتخانه، کشور در آستانه‌ی یک ضرر و خسارت عظیم قرار گرفته است، باتدبیر، کاردان و ژنرال جلوه کرده و یک سر دنباله‌ی لباس موهوم تدبیر، به دست وی داده شده و حتی از وی در سالگرد دولت، بعنوان وزیر برتر، تجلیل هم می‌شود!

پادشاه تدبیر دولت عریان است، لباسی فاخر و موهومی برای آن دوخته شده و پس از آن سعی می‌شود با برچسب‌هایی نظیر کم سواد، معدود، بی‌کار، دچار توهم، عصر حجر، افراطی، ترسو و لرزان و... دیگران



# تولید و انتشار



من بار دیگر از مسئولین بالای نظام جمهوری اسلامی می خواهم که از هیچ کس و از هیچ چیز جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشای سرمایه داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیسم نکشند که ما هنوز در قدمهای اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم.

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فدا - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه ای مسئولین را از وظیفه ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد.

باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.

صحیفه امام، جلد بیست و یکم - صفحه ۳۲۷، (۲ فروردین ۱۳۶۸، پیام به مهاجرین جنگ تحمیلی)

من قبلاً نیز گفته ام همه توطئه های جهانخواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوئیم اسلام جوابگوی جامعه است و حتماً در مسائل و اقدامات خود از آنان مجوز بگیریم.

ما نباید غفلت بکنیم، واقعاً باید به سمتی حرکت نماییم که ان شاء الله تمام رگه های وابستگی کشورمان از چنین دنیای متوحشی قطع شود. استکبار غرب شاید تصور کرده است از اینکه اسم بازار مشترک و حصر اقتصادی را به میان بیاورد ما درجا می زنیم و از اجرای حکم خداوند بزرگ صرف نظر می نماییم...

ضرورتی نیست که در چنین شرایطی ما به دنبال ایجاد روابط و مناسبات گسترده باشیم، چرا که دشمنان ممکن است تصور کنند که ما به وجود آنان چنان وابسته و علاقه مند شدیم که از کنار اهانت به معتقدات و مقدسات دینی خود ساکت و آرام می گذریم. آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر نماییم و ما خامی کرده ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است و اگر ما واقعگرایانه عمل کنیم، آنان با ما برخورد متقابل انسانی می کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می گذارند.

صحیفه امام، جلد بیست و یکم - صفحه ۲۷۳ (۳ اسفند ۱۳۶۷، منشور روحانیت)

ارسالی توسط: alitahha135



نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران  
سه شنبه ۹ دیماه ۱۳۹۳



# نگارستان

هفتاد و هفت هزار و هشتاد و نه نفر

# کمره

ما دولت ریشه!

مقام معظم رهبری :

فتنه ۸۸، صرفاً منحصر به حضور عده‌ای افراد در خیابانها نبود، بلکه ناشی از یک بیماری بود که با اقدامات سیاسی و امنیتی قابل دفع شدن نبود، و به یک حضور عظیم مردمی نیاز داشت، که چنین هم شد ( اشاره به ۹ دی )

www.Afsaran.ir

شعبه بی مخ های ۸۸

با چراغ سبز استکبار به خیابان ها می‌رزد

با چوب و جماع و خشونت اموال عمومی را به آتش میکشد تا دولت برخاسته از رای مردم را سرنگون سازد...

باطل شد ۱۳۸۸/۱۰/۹

نهم چک درستی کشور مشت محکم به دهان فتنه گران زد.

مردم ما در مقامهای با فتنه، روحشان به پا نشدند. این کار را خود مردم کردند. این حرکت، همان طوری که کویک‌تان و پرتکان و همه باری گفتند، یک حرکت خودمختار بود. این جلی سنا کرد. این تشکلی این است که این مردم به قدرت، شور و شوق، با فتنه این کار را کردند. آن کسانی که پیدا شدند، بی‌سواد، بی‌سواد و بی‌سواد مردم جنگی به‌دولت، بی‌سواد و بی‌سواد. که این نظام نظام خود مردم است. مال مردم است. انبار نظام ما به این است. که نظامی به مردم است.

آسی

فتنه زیر گام های استوار ملت

WARRIOR313.COM

۹ دی، ندای هل من ناصر بلند نشد ولی فریاد لیک یا حسین سده تا آسمان به گوش هم رسید.

Afsaran.ir

شاخه گلی برای امام

aFlowerForImam

SHERK





## مرگ هزاران نفر در چند ثانیه!

آلمان در اقیانوس اطلس مزاحم کشتی های آمریکا شدند که برای انگلستان ملزومات نظامی حمل می کردند. به دنبال حمله ناگهانی ارتش آلمان به روسیه در ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۱ و پیشرفت سریع ارتش هیتلر به سمت مسکو، لنینگراد و استالینگراد و اعلان جنگ میهنی در روسیه بر ضد تجاوز نازیسم، چرچیل از فرصت استفاده کرد و ضمن ملاقات با روزولت در عرشه کشتی «پرنس آف ولز» (Prince of Wales) ضمن محکوم کردن تجاوز به شوروی، روس ها را به کمک آمریکا امیدوار ساخت.

از آن پس عملاً دولت آمریکا نیز به متفقین پیوست و در ۲۵ اوت ۱۹۴۱ برای انتقال کمک های انگلیس و آمریکا به شوروی، خاک ایران اشغال شد و سیل کمک های تسلیحاتی آمریکا به سوی روسیه شوروی سرازیر شد. واقعه حمله ژاپن که

متحد آلمان بود به بندر «پرل هاربور» در هاوایی باعث شد که آمریکا در دسامبر ۱۹۴۱ در کنار انگلستان به ژاپن اعلان جنگ داد و از آنجا که آلمان، ایتالیا و ژاپن در سپتامبر ۱۹۴۰ پیمان سه جانبه ای در مورد همکاری در مورد حملات به صورت مشترک امضا کرده بودند، هیتلر نیز در ۱۱ دسامبر



به آمریکا اعلان جنگ کرد. به این ترتیب جنگ از محدوده اروپا خارج شد و جنبه جهانی پیدا کرد که طی آن بیش از ۲۰ میلیون نفر جان باختند و شهرهای بسیاری ویران شد.

در ۸ آوریل ۱۹۴۲ نخستین حمله هوایی ناگهانی به شهر توکیو به وسیله بمب افکن های متوسط آمریکایی صورت گرفت.

در ۱۶ ژوئیه سال ۱۹۴۵ پس از پنج سال تلاش شبانه روزی در قالب طرحهای سری لوس آلاموس، نخستین

گرچه جنگ جهانی اول پایان یافته بود اما لشکر کشی های و دخالت های آمریکا در کشورهای مختلف پایان نیافت در فاصله سالهای ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۹ ارتش آمریکا جنگ های متعددی را انجام دادند از جمله : اشغال مجدد کشور پاناما به خاطر اختلافات مرزی بین این کشور با کاستاریکا ، اعزام نیروی دریایی به چین برای مقابله با قیام ناسیونالیستهای چین ، اشغال هندوراس ب خاطر حفظ منافع یک شرکت آمریکایی و ...

دوره ریاست جمهوری فرانکلین روزولت مقارن با آغاز و پایان جنگ جهانی دوم بود و لذا آمریکا بر خلاف جنگ جهانی اول ، در کنار متفقین وارد جنگ شد . روزولت دخالت در اروپا را به نفع آمریکا تشخیص داد زیرا اولاً اروپاییان را مقروض آمریکا می کرد و ثانیاً بعد از سقوط هیتلر در طرح بازسازی اروپا که بعدها به ( Marshal plane ) معروف شد، شرکت می کرد و در تصمیم گیری های سیاسیون اروپا، دولت آمریکا می توانست دخالت مستقیم داشته باشد.

در این دوره آمریکا توانسته بود در زمینه تولید هواپیما، کشتی جنگی و تجارتي، توپ و تانک و صنایع جنبی نظامی بیش از کشورهای

روسیه، انگلستان، فرانسه و آلمان جنگ افزار تولید نماید. این حرکت در آمریکا باعث رونق صنایع و اقتصاد آمریکا شد؛ اما محصولات تولید شده می بایستی در جایی مصرف شود تا روند تولید متوقف نشود. روزولت رئیس جمهور آمریکا در ابتدای جنگ، اعلان بی طرفی کرد اما به فکر مصرف سلاح های تولید شده بود.

به این جهت در ۱۱ مارس ۱۹۴۱ قانونی از کنگره آمریکا به نام «قانون وام و اجاره» (The Lend Lease Act) به تصویب رسید. به دنبال تصویب این قانون بود که زیردریایی های





دست ژاپنی ها شده ایم!» و این درحالیست که در گزارش دیگری نقل شده که ترومن سه روز قبل از بمباران اتمی هیروشیما، مطمئن بود که ژاپن بدون بمباران اتمی هم حاضر به صلح است!

با پایان جنگ جهانی دوم، آمریکا در قالب طرح بازسازی اروپا یا «مارشال پلن» وارد اروپا شد و با در دست گرفتن سیستم اقتصادی و صنعتی کشورهای آسیب دیده، زمینه را برای مداخلات بیشتر در آینده مهیا کرد. به همین جهت، صنایع این کشور توانست صنایع مشابه کشورهای دیگر را حتی در بازارهای داخلی آنها تحت الشعاع قرار دهد. این برتری اقتصادی منجر به برتری سیاسی، فرهنگی، و نظامی آمریکا نیز گردید.

سنگ بنای مداخله سیاسی آمریکا در جهان نیز در این دوره بنا نهاده شد. با تأسیس سازمان ملل متحد بعد از جنگ، آمریکا با بدست آوردن حق وتو در این سازمان برتری و زمینه مداخله آشکار در امور جهانی را ایجاد نمود. تنها تهدیدکننده جدی منافع آمریکا در این دوره، اتحاد جماهیر شوروی بود و از این زمان دوره معروف به جنگ سرد بین این دو قدرت در دنیا آغاز شد و جهان به دو قطب و بلوک شرق و غرب تقسیم شد. در این زمان آمریکا با انعقاد پیمان آتلانتیک شمالی (NATO) حضور نظامی خود را در آمریکای شمالی و اروپای غربی تثبیت کرد و با مداخله در استقرار پلیس سازمان ملل در شبه جزیره کره، در این منطقه نیز حضور یافت که بحران های دوکره در سالهای بعد متأثر از آن بود.



بمب اتمی با نام «Gadget» در حضور یکصد نفر از دانشمندان در صحرای آلاموگودور در صحرای نیو مکزیکو واقع در جنوب غربی ایالات متحده آزمایش شد، تا برتری قدرت آمریکا در عرصه بین الملل تثبیت شود.

پس از تسلیم آلمان در ماه مه ۱۹۴۵، ترومن (رییس جمهور دموکرات) در جولای همان سال در کنفرانس (پست دام) (پیرامون اروپای پس از جنگ شرکت کرد و زمینه های حضور آمریکا در اروپا تثبیت شد.

در این سال یکی وحشیانه ترین جنایات تاریخ صورت گرفت و به دستور ترومن، رییس جمهور وقت آمریکا و با هدف تسلیم کردن امپراتوری ژاپن، هواپیمای آمریکایی، هیروشیما در ساعت ۸:۱۵ صبح بوسیله بمب اورانیمی با نام پسرک «Little boy» بمباران کرد و همچنین سه روز بعد ناکازاکی در ۹ اگوست سال ۱۹۴۵ در ساعت حدود ۱۱:۱۵ بوسیله بمب پلوتونیومی با نام مردچاق Fat Man» بمباران شد، که طی آن بمباران ها صدها هزار نفر فوراً جان باختند.



در این بمباران دهشتناک بین ۱۰۰ تا ۱۸۰ هزار نفر در هیروشیما و ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر در ناکازاکی بلافاصله از بین رفتند اما تخمین قربانیان تشعشعات اتمی که حتی در نسل های بعدی نیز اثر داشت تقریباً غیرقابل تخمین بود.

طبق گزارش واحد تحقیقاتی بمباران های اتمی آمریکا افرادی که در نزدیکی محل انفجار قرار داشته ولی دارای جراحت و سوختگی نبودند طرف دو تا سه روز بیمار شده و در عرض یک هفته فوت میکردند. کالبدشکافی آنها نشان میداد شکا خون آنها کاملاً تغییر کرده و تقریباً هیچ گلبول سفیدی وجود نداشت و ضخامت استخوان کاملاً از بین رفته بود.

شمار زیادی از محققان پزشکی بر این باور بودند که ۱۰ تا ۱۵ درصد مرگ و میرهای این دو شهر در سالهای بعد ناشی از تشعشعات اتمی بوده است.

ترومن چند روز بعد در مصاحبه ای، با اعلام خبر استفاده آمریکا از بمب اتم، در توجیه این اقدام آمریکا که با هدف نشان دادن ضرب شست به شوروی انجام شد، گفت: «ما با این کارمان مانع از کشته شدن جوانان آمریکایی به



|                                |                        |
|--------------------------------|------------------------|
| Ettelaat.com                   | آدرس وب سایت           |
| ۱۳۰۵                           | سال تاسیس              |
| دولتی - آگهی                   | منابع مالی             |
| اصلاح طلب                      | مشی سیاسی              |
| مجمع روحانیون - سید محمد خاتمی | وابستگی یا تمایل سیاسی |
| تمایل به میرحسین موسوی         | عملکرد در فتنه ۸۸      |
| سید محمود دعایی                | مدیر مسئول             |
| علیرضا خانی                    | سردبیر                 |
| چاپ مقاله حسین علایی           | اتفاقات خاص            |

آن دوره دعایی در فهرست گروه های هجده گانه دوم خرداد قرار گرفت و از میان اعضای مجمع روحانیون، وی همراه مهدی کروبی، مجید انصاری و سیدعلی اکبر محتشمی پور بر کرسی نمایندگی مجلس نشست.

مدیر مسئول روزنامه اطلاعات نقش موثری در معرفی عطا... مهاجرانی به عنوان وزیر ارشاد دولت خاتمی داشت و در جریان استیضاح وی تمام تلاش خود را برای عملی نشدن استیضاح انجام داد به شکلی که حتی گریه کرد تا این استیضاح رای نیاورد.

البته خود دعایی گفته است که «زمانی هم در نجف در محضر حضرت امام گریه کردم که چرا سازمان مجاهدین خلق (منافقین) را تأیید نمی کنید... این یک واقعیت است که من در مقطعی نسبت به سازمان مجاهدین اولیه که بنیان گذار آن مرحوم حنیف نژاد و دیگران بودند سمپات و ارتباط و همکاری داشتم و حتی در مقطعی عضو شدم. من نخستین کسی بودم که آن ها را با امام (ره) مرتبط کردم و از ایشان وقت گرفتم تا آن افراد خدمت امام (ره) برسند و مسائل و خط مشی های خود را در میان بگذارند و امام (ره) هم با بزرگواری چند روز به آن ها وقت دادند و در نهایت ایشان نظر خاص خود را بیان کردند. در آن زمان من با این سازمان مرتبط بودم و به دلیل نا آشنایی فلسفی و علمی نسبت به مواضع عمیق و بنیادهای ریشه ای آن ها، طبیعتاً احساسی عمل کردم و با تصور اینکه این ها مشمول حمایت و تأیید بلندپایه هایی مثل مرحوم طالقانی، مطهری، منتظری، هاشمی

اطلاعات و کیهان میراث فرهنگی انقلاب هستند و برای حفظ این دو موسسه با گسترش امکانات جنبی می توان به خودکفایی رسید. ستون های ثابت اطلاعات در دهه ۶۰ روزنامه را برای خوانندگان خود جذاب کرده بود. مهمترین ستون نقد آن دوره با عنوان «دو کلمه حرف حساب» به قلم مرحوم کیومرث صابری فومنی (معروف به گل آقا) بود که تا امروز در اذهان مردم باقی مانده است. پاورقی اطلاعات با مطالب تاریخی «چهل سال قبل در چنین روزی» نیز از جاذبه های آن در دهه ۶۰ و حتی بعد از آن بود. مجله «اطلاعات فرهنگی»، «جوانان امروز»، «ادبستان فرهنگ و هنر»، «اطلاعات سیاسی اقتصادی» و مواردی دیگر، هر یک بخشی از انتشارات موسسه اطلاعات محسوب می شوند.

### دعایی کیست؟

سید محمود دعایی یکی از رکوردداران نمایندگی مجلس شورای اسلامی است و شش دوره با رای مردم پایتخت بر کرسی نمایندگی مجلس نشسته است. دعایی در انتخابات میان دوره ای سال ۱۳۶۰ همراه با سیدرضا زواره ای، عباس شیبانی، صدیقی رجایی و حسین کمالی به مجلس اول راه یافت. نطق های دعایی در مجلس طی این ۲۴ سال به تعداد انگشتان دست هم نرسید و از وی تصویر نماینده ای کم حاشیه و پر تأمل که در معدود مواردی وارد کارزارهای سیاسی و جنجالی مجلس می شود در اذهان ترسیم شده است. داستان حذف دعایی و حجازی از فهرست انتخاباتی جامعه روحانیت مبارز در آستانه انتخابات مجلس سوم، عاملی می شود تا روحانیون چپ گرا و طرفدار دولت میرحسین موسوی راه انشعاب برگزیده و مجمع روحانیون مبارز را به وجود آورند. مجلس ششم دوره بازگشت چپ گرایان به صحنه بود که این بار دو سال

پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ و پیروزی خاتمی، با استفاده از نام اصلاح طلبی اکثر کرسی ها را از آن خود کردند. در

سال ۱۳۰۵، اولین شماره روزنامه اطلاعات با عنوان «نامه اطلاعات» در یک برگ کاغذ و به قیمت چهارشاهی منتشر شد. مهمترین ویژگی روزنامه اطلاعات که سبب شد با روزنامه های معاصر خارجی خود نظیر «الاهرام» مصر و «جمهوریت» ترکیه برابری کند، تهیه اخبار خارجی از آژانس های هائوس فرانسه، رویترز، برلن و مسکو بود.

### روزنامه اطلاعات در عصر پهلوی

پس از درگذشت عباس مسعودی، موسس روزنامه اطلاعات پسر وی تا زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران، مدیریت آن را بر عهده گرفت. در این دوران، اطلاعات از خط مشی واحدی پیروی نمی کرد، اما در هر حال متأثر از فضای فرهنگی قبل از انقلاب و برآورده کننده توقعات رژیم پهلوی بود، تا آنجا که با دخالت ساواک اقدام به درج یک مقاله توهین آمیز در مورد حضرت امام خمینی (ره) در ۱۷ دی ۱۳۵۶ با امضای رشیدی مطلق کرد و موجبات خشم عمومی در میان ملت ایران را فراهم آورد که منجر به قیام ۱۹ دی مردم قم و فراگیر شدن انقلاب در سرتاسر کشور شد.

### اطلاعات بعد از انقلاب

با نزدیک شدن به روزهای پرشکوه پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ روزنامه اطلاعات با چاپ تیتراژ درشت «شاه رفت» با حرکت اسلامی مردم ایران همراه شد. بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران و تا سال ۱۳۵۹ روزنامه اطلاعات زیر نظر یک شورای سرپرستی از طرف بنیاد مستضعفان قرار گرفت تا اینکه به فرمان امام خمینی (ره) «سید محمود دعایی» به سرپرستی آن منصوب شد. وی در شرایط آغاز به کار خود در روزنامه اطلاعات میگوید: «با حاج احمد آقا شرط کردم که چون سابقه کار مطبوعاتی در این حجم نداشتم، یک تیم برای اداره روزنامه مهیا شود و در این تیم آقایان بهشتی، هاشمی، باهنر، خامنه ای باید حضور داشته باشند تا همفکری لازم انجام شود.» شهید بهشتی معتقد بود که روزنامه های









# تغییر فرهنگ اولویت‌های ارزش

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ  
(قرآن کریم، حجرات، ۱۳)

همیشه مسیرهای زندگی، تفکر و داوری های ما نسبت به دیگران را ارزش‌ها تعیین می‌کنند و چیزی را که از نظر ارزشی برتر و ممتاز از سایر گزینه‌ها می‌دانیم انتخاب می‌کنیم چون ارزش‌های زندگی انسان به عنوان محوری‌ترین اعتقاد فرد، رفتارهای او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ارزش‌ها از نظر اهمیت، یکسان نیستند و در مجموعه‌ای به نام «نظام ارزشی» جا گرفته‌اند. این نظام به عنوان معیاری برای قضاوت و انتخاب های زندگی، سبک زندگی و فرهنگ ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (۱)

اولویت‌هایی که فرد به ارزش‌ها می‌دهد نیز یکسان نیست. این اولویت‌ها معمولاً از خلق و خو، شخصیت، تجربه‌های جامعه‌پذیری، تجربه‌های منحصر به فرد زندگی، فرهنگ پیرامون و مانند آن متأثر هستند. هر ارزشی می‌تواند عقاید پایه‌دار فرد نسبت به شیوه خاص و هدف نهایی از زندگی او باشد. با این مقدمه این سوال ایجاد می‌شود که چه رابطه‌ای بین شخصیت و ارزش‌ها وجود دارد؟ آیا با کمک تغییر ارزش‌ها، می‌توان به اصلاح فرهنگ کمک کرد؟

## تغییر فرهنگ جامعه

عوامل مهمی در تغییر ارزش‌ها مؤثرند که از جمله جهانی شدن، فردگرایی و نفوذ تفکر دوران مدرن است. بنابراین، پایه پای تغییرات در مناسبات زندگی فردی و اجتماعی در هنجارها و ارزش‌های ذهنی نیز تغییرات رخ می‌دهد. تعلیم و تربیت و یک نگاه بنیادین دینی در پرورش شخصیت می‌تواند در حفظ ارزش‌های بنیادین در مقابل تغییر مؤثر باشد.

درباره تغییر و اثرگذاری در فرهنگ، سه متغیر (ارزش - شخصیت - تغییر) مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود برای تغییر فرهنگ، چه ارزش‌هایی با چه اهمیت و اولویتی برای شخص باید بازشناسی یا تغییر داده شود تا شخصیت شکل مناسب و اساسی خود را دارا شود. متأسفانه رابطه و تأثیر آن سه متغیر فرهنگ در حوزه روانشناختی و تربیت جامعه مورد توجه قرار نگرفته است هرچند در تعلیم و تربیتی اسلامی از آنها به عنوان نقش اصلی در تربیت، اسم برده شده است.

ارزش‌ها یکی از مهم‌ترین اجزای نظام فرهنگی در سطح خرد و کلان هستند. به زبان ساده «شخصیت» الگو، نشانه و

حاصل صفات و باورهای فرد است که میزان تشخیص یک فرد از افراد دیگر جامعه تعیین می‌کند،

## یک فرد در طول زندگی خود تغییرات زیادی را تجربه می‌کند. این تغییرات نه تنها در عرصه زندگی مادی و دستاوردهای تکنولوژیک، بلکه در عرصه زندگی غیرمادی انسان، صفات و باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و... نیز به وقوع پیوسته است

ارزش‌ها نیز مانند هوش، قدرت، عزت نفس و دیگر نشانه‌ها، جزء مهم از شخصیت را تشکیل می‌دهند اما با این تفاوت که؛ صفات و باورها، توصیفی از الگوهای مشاهده شده در رفتار است مانند خود منفعت‌گرایی، متکبر بودن و... در حالی که ارزش‌ها ملاک‌هایی هستند تا درباره خوب یا مذموم بودن صفات و باورهایی که افراد دارند، به کار برده می‌شوند. صفات به نسبت فرد ثابت‌اند، در

حالی که می‌تواند ارزش‌ها را در زندگی خود تغییر دهد و هر بار اولویت و اهمیت خاصی به ارزشی خاص می‌دهد که شخصیت او را در آن دوران از زندگی می‌سازد.

## ارزش‌های قابل توجه

با شناخت و شناساندن ارزش‌ها در سطح خرد و کلان می‌توان تأثیر مضاعفی بر فرهنگ اجتماعی سیاسی فرد و جامعه گذاشت. ارزش‌ها از این جهت که در اقلیم‌ها، گویه‌ها و تعاریف دارای اهمیت و اولویت‌های نزدیک به هم هستند، بر طبق مذهب و رسوم نهادینه می‌شوند. برای ارزش‌ها در هر فرهنگ و هویت ملی تقسیم بندی مشخص و کلی وجود دارد که خرد ارزش‌ها یا صفات، زیر مجموعه آنها قرار می‌گیرند. مانند: پیشرفت - خیرخواهی و حسن نیت - همنوایی و احترام به هنجارهای اجتماعی - اقتدار و قدرت اجتماعی - ایمنی، سازگاری و ثبات اجتماعی - خوداتکایی و تفکر مستقل - برانگیختگی، تحرک، تازگی و چالش در زندگی - تعهد و پذیرش آداب و رسوم و ایده‌هایی که فرهنگ و مذهب مهیا می‌سازد - معاد و رستگاربوری و واکنش‌های صحیح در





انسانی خود آشنا باشند تا در امواج تغییرات دچار انحراف در فرهنگ، مذهب و سبک زندگی نشوند. یک فرد در طول زندگی خود تغییرات زیادی را تجربه می‌کند. این تغییرات نه تنها در عرصه زندگی مادی و دستاوردهای تکنولوژیک، بلکه در عرصه زندگی غیرمادی انسان، صفات و باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و... نیز به وقوع پیوسته است. هرچند ارزش‌ها در برابر تغییر مقاوم ترند اما گسست و انحراف در فرهنگ اجتماعی و سبک زندگی نتیجه تغییرات اساسی در باور و ارزش‌ها است.

تغییر ارزش‌ها، در سطح خرد، در پاسخ به فشارهای زندگی خصوصی و اجتماعیست و تغییر ارزش‌ها در شخصیت را نتیجه ناسازگاری در نظام شخصیت فرد می‌دانیم. در سطح خرد، اولویت‌های ارزشی هر فرد بازتابی از شرایط وجودی اشخاص در زندگی اوست لذا با شناخت ارزش‌ها در سطح خرد می‌توان اولویت‌های ارزشی که شخصیت فرد را تشکیل می‌دهد بازسازی و باز شناسی کرد تا با بهبود وضعیت فرهنگی فرد، وضعیت فرهنگی جامعه و سطح کلان را به سامان و راه مناسب هدایت کرد.

(۱) شناخت و بررسی ارزش‌ها را از حیث ایجاد و منشأ تکوین، ماهیت، نسبی یا مطلق بودن، عینی یا ذهنی بودن، فطری یا اکتسابی بودن، تاریخی یا غیرتاریخی بودن، منبع و مصادیق آن و مباحث دیگر «ارزش‌شناسی» می‌گویند که یکی از شاخه‌های فلسفه است.

نویسنده: matimemami

**فرهنگ**  
**دروضعیت**  
**قرمز**

فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس میکنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس میکنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است.

**مراجع فرهنگی؛ یعنی علما، اساتید، روشنفکران انقلابی، هنرمندان متعهد، اینها نگاه نقادانه خودشان را نسبت به اوضاع فرهنگی کشور همچنان داشته باشند و تذکر بدهند.**

بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۲-۷-۱  
Shia-Art.ir  
AnaAmmar.ir

### سخن پایانی

برخی عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها در سطح کلان، شامل جهانی شدن و نظام‌های سیاسی و مدرنیزاسیون است. بررسی تحولات فرهنگی اجتماعی نشان می‌دهد که تغییرات عمیق در باورها و ارزش‌ها و سبک زندگی مردم به وقوع پیوسته است. برای اینکه مهارت‌هایی متناسب با هویت فرهنگی و دینی در بین مردم شکل بگیرد، آنان باید با تمام میراث فرهنگی و هویت دینی -

اجتماع (امر و نهی‌های شرعی) و ... ارزش‌هایی که در بالا به عنوان نمونه نوشته شده، جزء لایه‌های درونی شخصیت انسان هاست و شناخت دقیق هر فرد در گرو شناخت این ارزش‌ها و گرایش‌های ارزشی و هویتی اوست. لذا وقتی بتوانیم شخص را از نظر ارزش‌ها احیاء کنیم، فرهنگ شخص از نظر درونی و پایه‌ای تغییر می‌کند و همانطور که گفته شد؛ بین ارزش‌ها و کنش - واکنش اجتماعی افراد، ارتباط مستقیمی وجود دارد.





# السلام عليك يا ابا عبد الله الحسين گزارش تصویری اربعین







ارسالی توسط : mehdi





# هویت ملی مولفها کلاَن



برده‌اند و دارای تجارب یکسان و اهداف و آرمانهای مشترک‌اند، در واقع این همان چیزی است که می‌توان از آن تحت عنوان «شخصیت» یا «هویت ملی» یاد کرد.

از این‌رو، در برخی مطالعات، از چهار دسته ارزشهای ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی به عنوان عناصر تشکیل دهنده هویت ملی، سخن به میان آمده است. ارزشهای ملی، تمامی مشترکات فرهنگی، اعم از سرزمین، زبان، نهادهای سیاسی، سنت‌ها و ادبیات ملی را شامل می‌گردد. مراد از ارزشهای دینی، تمامی مشترکات فرهنگ دینی است، و منظور از ارزشهای جامعه‌ای، اصول و قواعد اجتماعی که رعایت آن جهت تحکیم مناسبات اجتماعی ضروری است، و ارزشهای انسانی نیز عبارت از کلیه اصول و قواعد انسانی است که فارغ از هرگونه محدودیت اجتماعی و جغرافیایی، جهت بقای بشریت باید رعایت گردد.

برخی از صاحب نظران، بر عنصر «آراده با هم زیستن در طول تاریخ» تکیه کرده‌اند؛ یعنی آنچه مردم را در طول تاریخ در رنج و شادی و جنگ و صلح با هم شریک کرده و

است و آنگاه که در برابر دیگری است و دیگران ترسیم می‌شود. در این سند برای تدوین اجمالی کلان‌ترین مولفه‌های هویت ملی در ایران امروز، ویژگی‌های محتوایی و صوری هویت، هر دو توجه قرار گرفته است. هویت ترکیبی از جسم و روح تاریخی ماست که هر یک بدون دیگری امکان تعیین نمی‌یابد. سند مولفه‌های هویت ملی)

برخی از اندیشمندان سنتی در علوم سیاسی، اجتماعی و جغرافیا، عنصر ویژه‌ای از عناصر تشکیل دهنده هویت ملی را اصل دانسته‌اند. در جغرافیا، «سرزمین مشترک» و «تاریخ مشترک» اصل تلقی می‌گردد؛ و در علوم اجتماعی، «زبان مشترک» و «دین مشترک»؛ و در علوم سیاسی بر «ساختار سیاسی مشترک» و «ملت و ملیت» تکیه و تأکید می‌گردد.

در حالی که «هویت ملی» پدیده‌ای است مرکب از همه این عناصر و عناصر دیگر، همانند زبان، هنر، آداب و رسوم. به تعبیر دیگر، کسانی که با هم در سرزمین واحد زندگی کرده‌اند، با هم احساس خوشبختی و شادمانی داشته‌اند، و باهم رنج

وقتی سخن از ما پیش می‌آید بحث هویت مطرح می‌گردد. مرز ما از «دیگران» توسط خطوط ترسیم شده توسط هویت «ما» روشن می‌گردد. بررسی هویت ملی یکی از مباحثی است که از اهمیت تاریخی و جامعه‌شناختی فراوانی برخوردار است. اهمیت تاریخی آن به این جهت است که اولاً این پدیده در فرایند زمان در جامعه شکل گرفته و از رویدادها و تغییر و تحولات تاریخی تأثیر پذیرفته است.

ثانیاً هر هویتی که امروزه در جامعه و میان گروه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود، برگرفته از جریان‌های تاریخی ادوار مختلف است. از نظر جامعه‌شناختی هویت ملی به این لحاظ اهمیت دارد که یکی از عوامل مهم انسجام اجتماعی و وفاق ملی در هر جامعه تلقی می‌شود. هر اندازه یک ملت از هویت محکم‌تر و منسجم‌تری برخوردار باشد، به همان اندازه در تحکیم پایه‌های همبستگی و وفاق اجتماعی موفق‌تر خواهد بود.

در سند مولفه‌های هویت ملی ایرانیان آمده است: هویت تلقی از خود یا خود آگاهی فردی و جمعی





دهد؛ و این نشان دهنده ی نگرانی عمده ی وی از این موضوع است. او، برخلاف نظر آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب- در کتاب «دو قرن سکوت» قایل به سکوت ایرانیان در دو قرن اول هجرت نیست؛ بلکه واکنش ایرانیان را در برابر اسلام، فوق العاده نجیبانه و سپاسگزارانه می داند و آن را نشانه ی یک نوع توافق طبیعی میان روح اسلامی و کالبد ایرانی معرفی می کند. به گفته ی مطهری: «اسلام برای ایران و ایرانی، در حکم غذای مطبوعی بوده که به حلق گرسنه ای فرو رود، یا آب گوارایی که به کام تشنه ای ریخته شود. طبیعت ایرانی به خصوص با شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی ایران قبل از اسلام، این خوراک مطبوع را به خود جذب کرده و از آن نیرو و حیات گرفته است و نیرو و حیات خود را صرف خدمت به آن کرده است (مطهری، ۱۳۷۲، ج: ۶۶۹). از نظر ایشان مهم ترین عامل هویت یابی ایرانیان، گرایش آنان به دین اسلام می باشد، چرا که اسلام بواسطه ی خصوصیات معنوی خود، توانست به ایرانیان هویت جدیدی اعطا کند و به ایرانی بودن نیز معنای جدیدی بدهد. هویت، ترکیبی از جسم و روح تاریخی است که هر یک بدون دیگری امکات تعیین نمی یابد. از نظر رهبر فرزانه انقلاب اسلامی « هویت ملی هم که می گوئیم، ملیت در مقابل دین نیست؛ بلکه هویت ملی هر ملت، مجموعه فرهنگها و باورها. خواسته ها و آرزوها و رفتارهای اوست. یک ملت مذهبی، یک ملت موحد، یک ملت مومن و یک ملت معتقد به پاکان درگاه الهی و اهل بیت پیغمبر (ص) است؛ این جزو فرهنگ و هویتشان است، هویت ملی که می گوئیم، شامل همه اینهاست؛ اینها را حفظ کنیم.»

تنظیم: parasto

**در جغرافیا، «سرزمین مشترک» و «تاریخ مشترک» اصل تلقی می گردد؛ و در علوم اجتماعی، «زبان مشترک» و «دین مشترک»؛ و در علوم سیاسی بر «ساختار سیاسی مشترک» و «ملت و ملیت» تکیه و تأکید می گردد. در حالی که «هویت ملی» پدیده ای است مرکب از همه این عناصر و عناصر دیگر، همانند زبان، هنر، آداب و رسوم.**

هویت ملی ایرانی نیز مانند هویت های دیگر، دارای مؤلفه های اساسی مخصوص به خود است. بسیاری از اندیشمندان از میان مؤلفه هایی چون: زبان، دین، جغرافیا، تاریخ، فرهنگ ملی و غیره، به اصالت زبان به عنوان پایه ای ترین مؤلفه ی هویت ایرانی یاد می کنند؛ زبانی که علی رغم آمیختگی هایش با واژگان بیگانه، در طول تاریخ اصالت خود را حفظ کرده است. برخی دیگر به تاریخ و سرنوشت مشترک ایرانیان نظر دارند، و تاریخ ایرانیان را به عنوان مؤلفه ی بنیادی هویت ملی به حساب می آورند. طبق نظریه ای دیگر، وجود عامل ذهنیت مشترک و وجدان مشترک تاریخی، مهم ترین مؤلفه ی هویت ملی ایران است (تاجیک، ۱۳۷۹: ۳۵)

**برخی از صاحب نظران، بر عنصر «اراده با هم زیستن در طول تاریخ» تکیه کرده اند؛ یعنی آنچه مردم را در طول تاریخ در رنج و شادی و جنگ و صلح با هم شریک کرده و در کنار هم قرار داده**

استاد مطهری، در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران، ابعاد گوناگون هویت ایرانی را مورد بحث قرار می

در کنار هم قرار داده اند و از طریق یک سرنوشت مشترک تاریخی به آنان هویت خاصی بخشیده است، اراده باهم زیستن آنان بوده است. به هر حال، تجزیه و تحلیل هویت ملی با پیچیدگی و ابهام مواجه است و این ابهام و پیچیدگی هم ناشی از مؤلفه ها و عناصر تشکیل دهنده هویت ملی است. سرزمین، نژاد، زبان، مذهب، سنتها، تمدن، خاطرات تاریخی، اشتراک منافع، مقتضیات جغرافیایی، آمالها و آرزوهای مشترک، هر یک عواملی هستند که نمی توان نسبت به آنها بی اعتنا بود و از این رو، هر کشوری به اقتضای شرایط سیاسی، جغرافیایی و بافت اجتماعی خویش، بر عنصر یا عناصری از آن، تکیه و تأکید داشته است. در عین حال هیچ یک از آنها به تنهایی، نمی تواند، تفسیر نهایی و عنصر اصلی هویت ملی باشد. اما می توان برخی از این عناصر را به عنوان مؤلفه های مهم تر هویت ملی، در اولویت قرار داد. نظیر دین مشترک، سرزمین مشترک، تاریخ مشترک و فرهنگ یا میراث فرهنگی مشترک. (معصومی، محمدهادی، هویت ملی یا هویت قومی)





# فرهنگ کاپی‌دستی

نقش رسانه های ارتباط جمعی در گسترش مصرف گرایی چیزی کمتر از نقش صنعتی شدن و تولید کالاهای انبوه در جوامع نبوده و تولید انبوه و رسانه ها، دو بال گسترش مصرف گرایی بوده‌اند. امروزه، رسانه ها به ابزار نظام اقتصادی سرمایه داری برای یافتن مشتریانی پروپا قرص برای کالاها تبدیل شده‌اند. تبلیغات متعدد و متنوع که به دنبال اقناع افراد برای خرید کالاها یا خدمات خاص و تغییر نگرش آن‌ها و انتخاب سبک زندگی خاص برای انسان هاست. کالاهایی که افراد نیازی واقعی به آن نداشتند و صرفاً براساس ایجاد نیاز کاذبی که رسانه ها باعث آن بوده‌اند. ایجاد نیاز های جدید و کاذب به کالاها از کارکرد های رسانه های جمعی است که سبب دامن زدن به مصرف گرایی در عصر حاضر شده است. به همین دلیل، آگهی ها و تبلیغات بازرگانی امروزه، به تمام جنبه های زندگی انسان معاصر وارد شده است.

داری به یک ارزش است. حتی اگر فرد برنده این پول را صرف سفر زیارتی یا امور خیریه نماید، باز هم نه تنهای آرزوی پول در مردم ایجاد شود؛ بلکه این تصور غلط در بین مردم رواج پیدا خواهد کرد که کار خیر و صدقه و امثال این‌ها همگی منوط به داشتن ثروت هنگفت است!

نکته دیگر، ترویج مصرف گرایی است. یکی از ویژگی های نظام سرمایه داری، تبدیل کردن مردم به مصرف کنندگان بی‌چون و چرا و چشم و گوش بسته محصولات و خدمات سرمایه داران است تا منافع این قشر تضمین شود. بدین ترتیب، مردم جامعه با تبلیغات و جاذبه های مختلف به خرید محصولات تشویق می‌شوند و برای این کار، احساس نیاز کاذب در آن‌ها ایجاد می‌شود مسئله دیگر، تغییر در نظام ارزش گذاری جامعه است.

تبلیغ دستگاه تناسب اندام تن تاک که تناسب‌اندام و کوچک کردن شکم را تا حد ارزش درجه یک انسانی و دغدغه ای فراگیر بالا می‌برد. چرا که این دیدگاه بدن را همچون تابلویی می‌بیند که می‌توان با آن، هویت و موقعیت اجتماعی افراد را دید. مطابق با این نگاه، امروز بدن ما دیگر متعلق به خود ما نیست؛ بلکه ما در تلاشیم تا بدن‌هایمان را مطابق با معیارهایی که هرگز خودمان آن‌ها را انتخاب نکرده‌ایم، برای دیگران و برای جهان اجتماعی آماده کنیم. انگار بدن‌های ما به ماشین‌هایی تبدیل

اما آنچه در حال حاضر در حال اجراست، همان تفکر سرمایه داری و نابرابری در رسانه است. بر اساس این روال، صاحبان ثروت، به دلیل داشتن پول به قدرت رسانه ای نیز دستیابی پیدا می‌کنند و حتی می‌توانند برنامه مختص خود را تعریف نمایند. برنامه‌هایی چون قرعه‌کشی چای محسن، همراه اول، برنج آوازه و چند برند دیگر گواه این مدعا هستند.

**در نظام سرمایه داری هر کس ثروت داشته باشد، قدرت و امکان عرض اندام و داشتن تریبون را هم خواهد داشت. بنابراین، در این نظام ها، ثروتمندان می‌توانند افکار عمومی را از طریق رسانه های خود هدایت کنند.**

نکته ی مخرب دیگر، تأثیری است که چنین برنامه هایی بر سبک زندگی ما می‌گذارند. برنامه هایی که جوایز چند ده و یا چند صد میلیون را به برندگان هدیه می‌کنند، معمولاً مجریان این برنامه ها توجه زیادی به مبلغ جایزه می‌کنند یا از شرکت کنندگان سؤال می‌کنند که اگر برنده شوید چگونه این پول را استفاده می‌کنید. طبیعتاً هر بیننده‌ای با شنیدن این سؤال، برای لحظه ای آرزوی برنده شدن این جایزه را خواهد داشت و به نحوه مصرف آن فکر می‌کند. تأثیر چنین رویکردی، تبدیل پول و سرمایه

ترغیب مردم به سرمایه گذاری و خرید یا مصرف کالا یا نمادی خاص، به منظور افزایش فروش کالا یا خدمات، هدف سفارش دهنده آگهی بازرگانی است و رسانه های عمومی، همچون صداوسیما، مطبوعات، فضاهای شهری، اینترنت و... مهم‌ترین ابزارها برای رسیدن به این هدف به شمار می‌آیند.

پیام‌های بازرگانی به وسیله ای برای ایجاد احساس نیاز در مخاطب تبدیل شده و از این طریق به افزایش مصرف گرایی که تأمین کننده منافع سرمایه داری است، دامن می‌زنند. ولفولک کراس می‌نویسد: «وظیفه تبلیغات تلویزیونی تبلیغ کیفیت های خاصی است که یک محصول، فاقد آن‌هاست و اگر واقعاً هیچ نیازی به یک محصول وجود نداشته باشد، تبلیغات چی باید آن را ایجاد کند. او باید به شما ثابت کند که اگر این کالا را نخرید، سلامتی و شادی شما به خطر خواهد افتاد.»

بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران یک سازمان دولتی به شمار می‌آید و راه‌اندازی شبکه های خصوصی ممنوع می‌باشد. یکی از دلایل آن پرهیز از روالی است که در غرب و نظام های سرمایه داری اتفاق افتاده است. در نظام سرمایه داری هر کس ثروت داشته باشد، قدرت و امکان عرض اندام و داشتن تریبون را هم خواهد داشت. بنابراین، در این نظام ها، ثروتمندان می‌توانند افکار عمومی را از طریق رسانه های خود هدایت کنند.





سنجش افکار عمومی را تأسیس کند. در واقع، مؤسسه سنجش افکار عمومی با مراجعه به خود مردم و دریافت دیدگاه آن‌ها، راه‌های مهار ذهن و جهت دادن به امیال و تمناهای آن‌ها را مهندسی می‌کرد. از سال ۱۹۶۶، با ظهور چهره‌ای جدید به نام ویلهلم ریچ در زمینه روانشناسی، دوره فرویدیسم خاتمه یافت. ریچ برخلاف فروید معتقد به «رهاسازی» به جای کنترل بود. «لسه فر» Laissez Faire یا «بگذار هر چه می‌خواهد بکند»، دکترین رایج فرهنگی اجتماعی شد. این نظریه قائل به این شد که «انسان، حیوان خودشکופا» است. انسان، به عنوان حیوان خودشکوفا، به جای تغییر جامعه، به تفسیر خود پرداخت. این انسان، خود را رها کرد؛ هرگونه دوست می‌داشت پوشید، نوشید، خورد، زیست و مُرد. در این دوره بود که مفهوم سبک زندگی معنای کامل تری یافت. سیاست مداران با ترویج سبک زندگی امریکایی زیر پرچم اومانیسیم راه و رسم زندگی را به وسیله ابزارهای فرهنگی به مردم دیکته کردند.

ره آورد همه این تفکرات، تبلیغاتی است که امروز نه فقط به صرف رقابت در بازار کالاها و خدمات؛ بلکه به منظور ذائقه سازی و تغییر اولویت‌ها و شیوه‌های زندگی ما خواسته و ناخواسته به ما تحمیل می‌شود. شیوه‌ای از زندگی که اکنون در معرض ابتلا به آن قرار داریم، شیوه‌ای از بالیدن به ظاهر پوچ و نادیده گرفتن نیازهای روحی و جسمی ماست. شاید لازم باشد قبل از اینکه از مردمی آزاد مانند بعضی ملت‌ها به هالو تبدیل شویم؛ از این پس، به کودکانمان بیاموزیم که «همراه کارت اعتباری در گوشه جیب مان، چارچوب نیازهای اساسی را در گوشه ذهن مان با خود به بازار ببریم.»

منابع:

/matnezendegi.ir

/reba.ir

/www.islamiclife.ir

/dr-abbasi.ir

/ystc.ir

نویسنده: zarfiat92



را در جامعه ترویج و منافع تجاری خودشان را تأمین کنند. این درحالی است که در اصل ۲۵ قانون تبلیغات تلویزیونی به صراحت آمده است: «تعیین جایزه برای تشویق مخاطبان آگهی به خرید و مصرف بی‌رویه مجاز نیست.» همچنین در اصل ۲۴ این قانون بیان شده است که «آگهی نباید به گونه‌ای طراحی و ساخته شود که در آن، مردم به مصرف بیش از نیاز و اسراف در استفاده از امکانات تشویق شوند» و این نشان از ضعف شدید نهادهای نظارتی صداوسیما دارد.

از سال ۱۹۳۳، در دوره ریاست جمهوری روزولت متفکران امریکایی به این نتیجه رسیدند که «انسان حیوان قابل اعتمادی است و در کنترل ذهن باید دیدگاه‌های خود او نیز لحاظ شود.» در این دوره، راه برای جرج گالوپ هموار شد تا مؤسسه

شده‌اند که ما هرروز آن‌ها را اندازه‌گیری و ارزیابی می‌کنیم و تا به حد استاندارد می‌کنیم؛ برای ما تعریف شده است، نرسیم؛ آرام نخواهیم شد.

این استانداردها که همگی از فرهنگ غرب به ما تحمیل شده است، مانند خط تولید یک کارخانه، انسان‌های از خودبیگانه‌ای با شباهت‌های بسیار زیاد ایجاد و به جامعه ارائه می‌کند. همچنین می‌توان به تبلیغ‌های گسترده تولیدکنندگان موادغذایی و تعیین انواع جایزه‌های عجیب و وسوسه‌انگیز برای مصرف بیشتر آن‌ها، مانند تبلیغات تبرک و چای محسن اشاره کرد. این تبلیغات به جای بالابردن کیفیت محصولات و معرفی صحیح آن‌ها به مصرف‌کنندگان به دنبال این هستند تا از طریق وسوسه کردن آن‌ها برای به دست آوردن بی‌زحمت مقدار زیادی پول، مصرف‌گرایی







# وصیت نامه شهید دایه علی

بسم الله الرحمن الرحيم

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون.»

گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته می شوند، مرده اند بلکه زنده اند و نزد خدا روزی می خورند.

من محمود دایه علی وصیتنامه ی خود را با نام خدا و در راه تداوم انقلاب اسلامی به رهبری زعیم عالیقدر، امام امت، خمینی روح خدا شروع می کنم. ای مردم مسلمان و مستضعف ایران این انقلاب را به رهبری امام امت ادامه دهید. ما ملت ایران خیلی خون داده ایم که این انقلاب را به پیروزی برسد. نکند که از رهنمودهای اما سرپیچی کنید و اما را تنها بگذارید. او نایب امام زمان (عج) است. نگذارید خون این شهیدان پایمال شود. ما هر چه خون بدهیم، انقلاب مان پایدارتر می شود.

این آمریکایی های خائن با کمک منافقین دارند شاخ و برگ نهال انقلاب را می ریزند. ما نباید بگذاریم که این ابرقدرت ها و واسطه های داخلی آنها به این انقلاب زیان برسانند.

اگر چه همه را بکشند ما باید تا آخرین قطره ی خون مان را به پای این نهال انقلاب بریزیم و آن را آبیاری کرده و رشدش بدهیم. در زمان امام حسین (ع) اما را تنها گذاشتند. حالا که امام خمینی راه او را می رود ما نباید او را تنها بگذاریم. از خانواده ام می خواهم که خط امام را ادامه دهند و از مادرم می خواهم برادرهایم را در بسیج شرکت دهد تا اگر روزی به شهادت رسیدم بتوانند ادامه دهنده ی راه من باشند. از برادرهایم می خواهم که بعد از من اسلحه را به دوش بگیرند و خون خودشان را به پای درخت اسلام بریزند تا درخت اسلام بارورتر شود.

هرکس امام را قبول نداشته باشد و سر قبر من بیاید به خون تمام شهیدان خیانت کرده است. پدر و مادرم! اما امروز در زمان امتحان هستیم، چون در جبهه حسینی و یزیدی وجود دارد و من راه حسین را انتخاب کرده ام. شما هم از فرصت استفاده کنید و به جبهه ی حسین بپیوندید. در هر کربلایی امام حسینی وجود دارد و حسین امروز خمینی است. در وجود امام عزیز دقت کنید و با شناخت کامل راه او را ادامه دهید. مادرم می دانم که در انتظار آمدن من هستید و هم اکنون دعا می کنید، اما حرف من به برادرانم این است که یکی یکی به جبهه های حق علیه باطل فرستاده شوند. من برای آنها طلب پیروزی بعد از شهادت می کنم. دوستان، در پیروزی ما در این جنگ هیچ شکی نداشته باشید. این سخنان را به عنوان یک شهید می گویم که اگر وحدت خودمان را از دست بدهیم و امام را تنها بگذاریم به خون تمام شهیدان خیانت کرده ایم و خدا شما را نمی بخشد. فقط در خط امام حرکت کنید و بدانید بهترین تسلیت برای من انتقام گرفتن خون تمام شهیدان است...



# خاکیان افلاکی

بسم الله ...

امتحان خدا بود... عزت و سختی ، یا آرامش و ننگ ؟  
مثل همیشه وفای عهد  
انقلاب شروع شد!

تظاهرات... شهید ، عکس امام(ره)... شهید ، اعلامیه... شهید  
آخر زمانی که عزت انتخاب یک ملت باشد، جان بی ارزش و جان  
دادن ارزش میشود.

از پیر و جوان فهمیده بودند این راه همان راه حسین(ع) است ...  
فهمیده بودند که اگر آرام باشند سینه زدن بی معنی است...  
انقلاب شروع شد!

خروش یک ملت و خروش بی اختیار فرعونیان از حیرت!  
امتحان شروع شد...  
در یک چشم به هم زدنی بود...

اول انقلاب  
به یک نفس کشیدن ، دوباره... امتحان...؛ امتحان پشت امتحان  
؛ ن اگهان

کربلا... شهید... خون... چفیه... پلاک... باروت...  
هرچه تعداد شهدا بیشتر می شد شمیم کربلا بیشتر بر مشام می  
رسید ...

خون های بابرکتی که به فرمان امامشان به جوش آمده بودند، و  
به برکت خون همین شهیدان بود راهی که در طول تاریخ نمی  
توانست طی شود ؛ پیموده شد. (۱) و چه زیبا در این آزمایش  
تاریخی و اجتماعی سربلند بیرون آمدند. (۲)

با آغوش باز مصائب و سختی ها را پذیرفتند (۳)، جان دادند تا  
میادا قلب امامشان آزرده شود...  
گذشتند از جوانی خود برای تبسم زیبای روح الله...

به یکدیگر یادآوری میکردند که ...  
«همین جا کربلاست»

و

«کل یوم عاشورا»

که : جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام نشدنی است.  
با ایثارشان «کل ارض کربلا» را روح تازه بخشیدند و چه زیبا  
گفت سید شهیدان اهل قلم که :

«چه جنگ باشد چه نباشد، راه من و تو از کربلا میگردد»  
همان کربلایی که خون، بر شمشیر پیروز شد

و

سربازان روح الله؛ همان هایی که امامشان فرمود: به شما غبطه  
میخورم؛ مردانه در این میدان ماندند

و

ثابت کردند که؛

پیروزی وعده ی خداوند سبحان است (۴) و ابهت دو ابرقدرت  
غرب و شرق را شکستند. (۵)

«وعد الله لا یخلف الله وعده ولكن اکثر الناس لا یعلمون»

«وعدده ی خداست، خدا وعده اش را خلاف نمی کند، ولیکن  
بیشتر مردم نمی دانند» (۶)

و خوشا به حال آنان که این گوهرها را در دامان خود پروراندند...  
(۷)

خوشا آن مادرانی که تنهایی و فراق و اشک را ترجیح دادند تا

اسلام بقا پیدا کند...

زینب وار رنج را به جان خریدند...

و

اما ...

ما ...

تا آخر ایستاده ایم

فقط ...

جای شهدا خالی ...

پ ن :

۱- شهید آوینی : به برکت خون شهدا، راهی را پیمودیم که در  
طول تاریخ هم نمی توان طی کرد و به راستی ما این را مدیون  
خون شهیدان هستیم.

۲- شهید جهان آرا: انقلاب بیش از هر چیز برای ما یکی ابتلای  
الهی و یک آزمایش تاریخی و اجتماعی است و در جریان این ابتلا  
باید رنج، محرومیت، مصائب و ناملایمات را با آغوش باز بپذیریم.

۳- شهید جهان آرا: انقلاب بیش از هر چیز برای ما یکی ابتلای  
الهی و یک آزمایش تاریخی و اجتماعی است و در جریان این ابتلا  
باید رنج، محرومیت، مصائب و ناملایمات را با آغوش باز بپذیریم.

۴- نهج البلاغه: و بدان که پیروزی وعده ی خداوند سبحان است.  
۵- حضرت امام (ره): ما در جنگ ابهت دو ابر قدرت غرب و شرق  
را شکستیم.

۶- سوره ی روم آیه ۶

۷- حضرت امام (ره): خوشا به حال آنان که این گوهرها را در  
دامان خود پروراندند

نویسنده : zaerezohoor



زندانی انفرادی تاریک، سال که روی حکم حبس ابدش بیاید  
نه فقط خانه و لیخند را،

که نور را هم فراموش میکند

پس از من نخواه از رهایی بگویم!

از او بخواه،

رهایی ، آنچنان که ... فیها خالدون

نویسنده : msabpeykar





مستند جمعیت مسلمان  
[www.afsaran.ir/link/696950](http://www.afsaran.ir/link/696950)



آخرین قدم  
[www.afsaran.ir/link/680699](http://www.afsaran.ir/link/680699)



هیئت همراهان  
[www.afsaran.ir/link/770676](http://www.afsaran.ir/link/770676)



بی دفاع  
[www.afsaran.ir/link/771880](http://www.afsaran.ir/link/771880)



این توافق خوب است  
[www.afsaran.ir/link/757697](http://www.afsaran.ir/link/757697)



باید احمق باشیم که  
[www.afsaran.ir/link/763739](http://www.afsaran.ir/link/763739)



ملت عاشق مبارزه با صهیونیست هاست  
[www.afsaran.ir/link/773249](http://www.afsaran.ir/link/773249)



# کلیپ های صوتی

از گوگوش تا سروش در فتنه ۸۸

<http://www.afsaran.ir/link/777145>

ما همه عاشق مبارزه با صهیونیست هستیم

<http://www.afsaran.ir/link/767918>

ایرانی آخرالزمانی

<http://www.afsaran.ir/link/686969>

این راه، راه کربلاست

<http://www.afsaran.ir/link/678392>

اسمت رو برای کربلا بنویس

<http://www.afsaran.ir/link/771896>

کدوم دیکتاتوری؟

<http://www.afsaran.ir/link/761887>

اربعین تو وعده گاه ما .....

<http://www.afsaran.ir/link/773586>

جهاد علمی

<http://www.afsaran.ir/link/760439>

راز اشک ...

<http://www.afsaran.ir/link/751191>





# ادی پانخ دندان شکن برگزارنا بخشودنی



بنا بر اعلام رسمی یک راهپیمایی سراسری در روز ۹ دی برای اعلام برائت از فتنه و فتنگران بر گزار می شود، بدون تعطیل کردن کشور. بنا به امار رسمی در روز ۹ دی هشتاد و هشت قریب ۲۰ میلیون نفر در سرتاسر کشور به خیابان ها آمده و از امام شهید خویش دفاع کردند و به طور رسمی از فتنه و اصحاب فتنه اعلام برائت کرده و مهر پایانی بر جولان ۸ ماهه این جند الشیطان زدند.

برای اولین بار در کشوری یک انقلاب مخملی شکست خورده بود، به فرموده مقام معظم رهبری واقعا چه کسی جزید توانمند خداوند توانایی شکست مکر مکرکنندگان را دارد، خودش فرمود (مکروا و مکرالله و الله خیر الماکرین).

بررسی علل حضور مردم و واقعه ۹ دی نیاز به بررسی جامعه شناسی دارد اما آن چیز که مشخص است امداد غیبی از سنت های ۶ گانه خداوند است که یاری کننده صالحین و مومنان است و جامعه مذهبی ایران است که بی حرمتی به نماد های مذهبی خود را در هر گروهی نخواهد پذیرفت و به همین دلیل بسیاری از فریب خوردگان روز های نخست در حماسه ۹ دی شرکت کردند و این مثل یادمان نمی رود که (هر که با آل علی در افتاد، ور افتاد)

و پروژه شهید سازی و تظاهرات عده ای در روز قدس وشعارهای معروفش، عده ای را به فکر فرو برد که آیا دعوا واقعا بر سر نتیجه انتخابات است؟؟؟

روزها از پی هم می گذشتند و ماه محرم سال ۸۸ فرا رسید. مردم مثل همیشه در ماه محرم مشغول عزاداری سید و سالار شهیدان بودند که ناگهان خبری سراسر کشور را به بهت فرو برد. خبر این بود: عده ای از نامردمان روزگار ایران در روز عاشورا در کف خیابان های تهران به شادی وهلهله پرداخته وبه هیئت های عزاداری امام حسین (ع) حمله کرده وبیرق های عزاداری را به آتش کشیدند. برای مردم ایران این واقعه غیر قابل باور بود. قلب ها اندوهگین، چشم ها اشک بار، و دست ها لرزان بود کسی از مردم باور نمی کرد که در جمهوری اسلامی چنین اتفاقی افتاده باشد؟ بیانیه ی سران فتنه در دفاع از این اقدام برای مردم اصلا قابل تحمل نبود، خدا جو خواندن این ملحدین از طرف شخص میر حسین موسوی پرده ی نفاق این افراد را از سر آنان کشید، بی شک برای هیچ یک از مردم ایران قابل باور نبود که دعوی انتخابات ربطی به عزای امام حسین (ع)، ندارد.

برای مردم و اصحاب انقلاب این گناه نابخشودنی، به جواب دندان شکن نیاز داشت تا برای همیشه این داستان به تاریخ بپیوندد.

انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ بی شک متفاوت ترین انتخابات برگزار شده در تاریخ جمهوری اسلامی ایران است، جمهوری اسلامی که بر مبنای قانون اساسی در ۳۱ سال ۳۰ انتخابات مختلف برگزار کرده بود برای اولین بار با توطئه ای خطر ناک در زمینه انتخابات روبه رو شده بود و آن هم عدم تمکین نامزد های انتخابات ریاست جمهوری از قانون بود.

با کنکاش پیرامون انتخابات سال ۸۸ می توان در یافت که برنامه ریزی شده ترین انتخابات در جمهوری اسلامی بوده است، سلسله مراحل پیچیده و کلید واژه های دقیق اتخاذ شده در این توطئه به صورت کامل توسط بازیگران اصلی آن انجام گرفت و با به میان آمدن توان رسانه ای دشمنان انقلاب این توطئه با تمام قدرت برای بر اندازی نظام جمهوری اسلامی با کلید واژه تقلب بزرگ به میدان آمد.

با فریب خوردن عده ای از مردم و تجمع منافقین وسلطنت طلب ها در اردوگاه اصحاب فتنه، اردوکشی خیابانی این توطئه کامل شد، ومجموعه اتفاقاتی از ۲۳ خرداد تا ۲۸ خرداد به وقوع پیوست. خطبه نماز جمعه ۲۹ خرداد مقام معظم رهبری آب سردی بود بر آتش گر گرفته برخی فریب خوردگان، اما منافقان وسلطنت طلب ها همچنان در بدنه این توطئه ماندند. وقایعی مانند قتل ندا آقا سلطان



# بیایا از مردن حرف بزنیم



نگو مردم از عقوبت اعمال پس از مرگشان می ترسند که توجیه است. که اگر ما از عقوبت مان می ترسیدیم اینقدر راه کج را دنبال نمی کردیم. نگو عرف نیست دعای شهادت برای تازه عروس و داماد که برایت مثال ها می آورم از آنها که سر سفره عقد همان لحظه استجاب دعا از همسفر زندگی شان

طلب ختم عاقبت به شهادت کرده اند.

ما دنیا را چسبیده ایم دو دستی حتی با همه سختی هایی که بر ایمان داشته و دارد و بی تابی دیدار تو را شعار می دهیم! نه اینکه من از مرگ نمی ترسم که این هم شعار است... نه اینکه افسردگی و از اینها دارم... نه... نه اینکه کفران نعمت می کنم که به قول سعدی؛ «هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون بر می آید مفرح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است... و بر هر نعمتی شکری واجب...»

من همه اینها را می دانم مثل تو... ولی؛ نمی دانم هنوز هم چرا دعا برای عاقبتی که به شهادت ختم شود گاهی اوقات حرف خوبی نیست!؟

مگر دعا برای شهادت زمان و مکان خاص می طلبد!؟ اصلاً و اساساً تسلیم؛ من حرف زدن بلد نیستم... من دعا نکنم بهتر است... که من هرچه برای خود می پسندم را؛ من بعد برای دیگران نپسندم بهتر است!

اگر روزی توی همین فضای مجازی پُستی گذاشتم که؛ به خیال خودمان تکمیل دین کردیم ما هم...!

بیایید توی کامنت هایش بگوئید: «عاقبت به شهادت...» شاید آن موقع من هم بنویسم بعد از صد و بیست سال...! چرا با هم جور در نمی آیند دوست داشتن تو و دوست نداشتن مُردن...!

دست خط: peimane

تو را دوست داریم؛ اگر منتهای همه چیز تویی اگر تو همان أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ... اگر تو همان رفیقی هستی که جز او رفیقی نیست اگر إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ که از تو بودیم و باید به تو برگردیم

پس چرا مُردن برایمان سخت است!؟ شاید من زیادی با تو رفیق شده ام و این خوب نیست... شاید تو زیادی برای من تو شده ای و این خوب نیست...! اصلاً چرا وقتی یکی همین کلمه قصار «بمیییییییر» را نصیبمان می کند؛ بهمان بر می خورد!؟

مگر نه اینکه تنها راه برگشتن همین مردن است!؟ اصلاً قرار به ماندن تا ابد نبوده از ابتدا اصلاً همان شعار؛ دنیا محل گذر است...

چرا با هم جور در نمی آیند دوست داشتن تو و دوست نداشتن مُردن!؟ اینکه اگر کسی به من می گوید؛ «بمیر» که به خیال خودش نهایت تأسف را به حالم خورده من در جوابش با لبخند بگویم؛ «ممنون» و نگاهی عاقل اندر سفیه بیاندازد که مخاطبش از پایه مجنون است!

خب مگر نه اینکه تنها راه برگشتن مُردن است!؟

بیا برگردیم به همین داستان دیشب... به همین که من حرف زدن بلد نیستم. دعای خیر کردن بلد نیستم...

مگر نه اینکه همه چیز امانت خداست...!؟ نباید دل بندید؛ دل بسپری...!؟ حتی لحظه ای...!؟

فرض کن من نشسته ام سر همین سفره عقد و حضرت ملک الموت سر برسد که؛

«جمع کن باید برویم» و من التماس که تا الان صبر کرده اید یک روز دیگر هم بنویسید به حساب؛

اصلاً نخواستیم روی ماه خدا را ببوسیم...!؟ شاید دل بستن به دنیا و هر چیزی که دارد یک لحظه اش بی عیب است و چند ساعتش معصیت...!؟

مگر نه اینکه من عمری خودم را شیعه علی فرض کرده ام، پس؛

و الله لا بن ابیطالب آنس بالموت من الطفل بئدی امه... برای من یک شعار بوده همیشه...!؟

اینکه ذهن پرسشگر انقدر درگیر شود که ندانی از کجا شروع کنی اینکه خواب شب را برای خودت حرام کنی؛ هی از خودت سؤال کنی و هی جواب را مرور کنی... که نکند با جمله و دعای خیرت دلی را شکسته باشی...!

اصلاً بیا از اولش شروع کنیم: از آن روزی که نشستیم و به مُردن فکر کردیم یا نه؛

بیا از همین قضیه دیشب شروع کنیم... از پُستی در همین فضای مجازی که بلاى وجدان ما شد...!؟ اینکه برای عروس و دامادی دعای خیر کردیم «عاقبت به شهادت این شاءالله»

و یکی آن وسط که نه عروس بود و نه داماد و نه اساساً وصله اینها بگوید: «بعد از صد و بیست سال؛ انشاءالله» و ادامه اش تو بگویی...

هیچ کجای مناجات عرفه حسین سن و سال ندیدم

او بگوید؛ هیچ کجای مفاتیح و روایات دعای شهادت برای تازه عروس ندیدم تو بگویی؛ عاقبت شهادت لیاقتی است که نصیب خواهان می شود

و از علی بن الحسین بگویی «القتل لنا عاده و کرامتنا الشهاده»... و اینکه عاقبتی بالاتر از شهادت نیست

و او بگوید «خدا آگاه به نیت ماست...!!!!!!» بعد و بعد و بعدتر هایش...

و همه شب ذهن ات درگیر این می شود که؛ اصلاً چرا این روزها دعای شهادت برای برخی، به سان فحش و نفرین شده...!؟ از همین حضرت مادرمان بگیر تا الخ...

همین حضرت مادر خودمان؛ وقتی به کسی می گوئیم شهادت این شاءالله، یا اصلاً در حق خودم دعا می کنم

از همان اخم ها و کلمات قصار بارمان می کند که؛ «هنوز حرف زدن بلد نیستی...!؟»

مگر دعا برای عاقبتی که به شهادت ختم شود، زمان و مکان خاصی دارد...!؟

حالا بیا از مردن حرف بزنیم... شهادت را بگذار کنار؛

خیلی وقت بود که به این فکر کرده بودیم و پرونده اش را گوشه ذهن پریشان من بسته بودی که اگر



# توليدات طنز افسران

www.afsaran.ir/ganjine/5





# انجمن بازرگانی افسران

مدتیست که یک ویژگی جدید به نام «بحث روز» به سایت اضافه شده است. بحث روز سمت چپ سایت قرار گرفته و در بازه های زمانی مختلف مطالبی را برای بحث به صورت لینک در سایت به اشتراک میگذارد و کاربران می توانند نظرات خودشان را در مورد موضوع لینک مطرح کنند. نتایج بحثها هم به صورت اماری توسط همین کاربری منتشر میشود. تاکنون بیش از ۱۰ بحث انجام شده است.



<http://www.afsaran.ir/profile/bahserooz>



در تاریخ ۱۳۰۱۲ شهریور برنامه نشست افسران توسط مدیریت این شبکه اجتماعی برگزار شد. در این نشست چند تن از اساتید و شخصیت های مهم کشور سخنرانی کردند و مسائل مهمی را مطرح نمودند. سخنرانان این دو روز عبارت بودند از آقایان: بذریاش، مهدی محمدی، زاکانی، بخشبانی، سراج، پناهیان و مدیر شبکه آقای حجت ملکی. در این نشست دو روزه بیش از ۸۰ نفر از کاربران سایت شرکت داشتند.

## برترین پیامک ها

ای سید ما، ای مولای ما آنچه باید بکنیم انجام میدیم، آنچه باید می گفتیم هم گفتیم و خواهیم گفت من جان ناقابلی دارم، جسم ناقصی دارم، اندک آبرویی هم دارم که این رو هم خود شما به ما دادید همه اینها را من کف دست گرفتم و در راه انقلاب و اسلام فدا خواهم کرد سید ما، مولای ما دعا کن برای ما...  
#آقا  
#فراموش\_نمیکنیم  
Hojjat

## برترین لینک ها



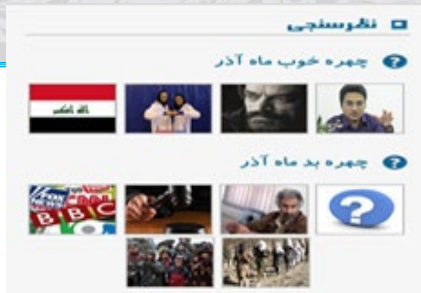
سلام به حضرت مولا از طرف بچه های افسران  
سلامی که از طرف کاربر salehon در راهپیمایی اربعین از طرف افسران خدمت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام عرض شده بود



لینک خداحافظی کاربر khademoshahid که اسامی کاربران را هم نوشته بودند تا در سفر اربعین از طرف همگی زائر اباعبدالله الحسین علیه السلام باشند



همراهی کاربر behnam83 با کمپین «ما عاشق مبارزه با صهیونیست ها هستیم»



طی ماه گذشته ۶ نظرسنجی در سایت افسران انجام شد: چهره خوب و بد آبان ماه، تمدید مذاکرات هسته ای و دلیل عدم حصول توافق جامع، ارزیابی عملکرد مجلس نهم و چهره خوب و بد آذرماه، و دلیل پیشنهاد فراندوم توسط رئیس جمهور که هم اکنون نیز فعال است.

من حتی توی خواب هم نمی دیدم که به روز کربلایی بشم... بدون خجالت بگم که وضعیت مالی هم در حال حاضر اصلا به نحوی نبود که بخوام سفر رو شروع کنم...

دست به دامن حضرت عباس علیه السلام شدم... شب تاسوعا حاج آقا مومنی گفتند دست به دامن کسی بشید که طعم ناامیدی رو چشیده باشه. من توسل کردم... همه چیز خودش جور شد... از جایی که فکرش نمی کردم...  
دست به دامن سقا بشید...  
Fotros72

دوستان محترم در جریان باشید که به عده ای از کاربران خوب سایت افسران جنگ نرم به دنبال راه اندازی یک کمپین در ایام ۹ دی هستند آماده باشید ما هم آماده ایم  
Hojjat



همزمان با فرارسیدن پنجمین سالروز حماسه عظیم نهم دی و در حالی که زمره به فراموشی سپردن آن رویدادهای تاریخی به گوش می رسد کاربران سایت افسران کمپین یا پویش بزرگی با عنوان «فراموش نمیکنیم» را برگزار کردند. در این پویش سراسری خطاب به فتنه گران اعلام شد که فتنه سال ۸۸ و مسببان آن را فراموش نمیکنند و نمی توان به سادگی آن وقایع تلخ و خیانت برخی خواص را به فراموشی سپرد و شاهد بازگشت فتنه گران بود. این پویش در شبکه های مختلف اجتماعی انتشار یافت





ای بابا علی جون، این که غصه خوردن نداره. یخورده صبر کنی درست میشه. از شنیدن این حرفها خندم گرفته بود. برگشتم: یعنی چی این حرف ها، بابا ما کلی وقت گذاشتیم، کار کردیم، فکر کردیم، چقدر پول خرج کردیم برای تهیه طرح، برای اینکه موقع اجرا به مشکل بر نخوریم، همه چیز درست پیش بره، چقدر رفتیم این ارگان اون سازمان که هزینه ها رو تامین کنیم، بابا اینا بیت المالن، بچه ها از زندگی شون زدن برای این کار، من جواب بچه ها رو نمیتونم بدم، چه برسه به خدا. این ها رو گفتم و با ناراحتی برگشتم خونه. هنوز هم ناراحت بودم که تلفنم زنگ خورد. کلی خوشحال شدم، قدری از اون ناراحتی فراموش شد، بالاخره جواب استخدام من مشخص شد. یک شرکت نیمه دولتی، خیلی به کارش علاقه داشتم و میشد در کنارش به کارهای فعلی هم رسید. مقدمات استخدام انجام شد و دیگه باید میرفتم سر کارم. روز اول بود. مثل همیشه لباس پوشیدم. پیرهنی که می انداختم روی شلوار. از پله های شرکت رفتم بالا و وارد شدم. با همون نگاه اول جا خوردم. منشی دم در نشسته بود. تا حالا ندیده بودمش. کاملا راحت و آزاد. مشغول بگو و بخند با مردی که جلوی میزش ایستاده بود. با لبخند رو به من کرد و گفت: خیلی خوش آمدید جناب. بفرمایید، امرتون. خودم رو معرفی کردم: علی فرقدان. برگشت گفت: به به علی آقا! بچه ها بیاید، کارمند جدید اومده. بعد بلند شد و ایستاد. چشمش که به نوع لباس پوشیدن من افتاد و دقت بیشتری که به چهره من کرد، حسایی جا خورد. آروم نشست. چند نفر دیگه از کارمندا هم اومدن. اونا هم تا من رو دیدند شوکه شدند. پیچ پیچ ها شروع شد. بعد منشی برگشت گفت: برادر فرقدان! تشریف ببرید جناب رئیس منتظر تون هستند. حرکت کردم به سمت اتاق رئیس. بین راه نگاه سنگین کارمندا ها رو متوجه شدم، همینطور حرف های در گوشی رو: بابا بچه مثبت! این دیگه از کجا پیداش شد؟! وارد اتاق رئیس شدم. بعد از سلام و احوالپرسی گفت: جناب آقای فرقدان، قبلا صحبت هایی راجع به نوع کارها و شرایط اینجا با شما انجام شده. اما نکته ای رو باید خدمت شما بگم که برای اینکه هم شما راحت باشید و هم سایر کارمندان، خیلی به خودتون سخت نگیرید! با این حرف خیلی چیزها دستگیرم شد. یکی دو روز از شروع کارم میگذشت. فضای خوبی نبود، نوع روابط، شوخی ها،

وضع پوشش و حجاب و ... اذیتم میکرد. از اون مهمتر متلک هایی بود که به من می انداختن. خسته و کلافه بودم. تصمیم گرفتم قید کار رو بزنم. بیکار بودن بهتر از این بود که ایمانم در خطر بیوفته. تصمیمم رو گرفتم. به خودم گفتم صبح میرم و تسویه حساب میکنم.

صبح رفتم شرکت. خانم منشی مثل همیشه از من استقبال گرمی کرد! با تیکه همیشگیش: سلام علیکم حاج آقا!

رئیس هنوز نیومده بود. رفتم تو اتاقم و منتظر بودم تا رئیس بیاد و قضیه رو بگم. تو این فکر بودم که چطوری بهش بگم که نکته ای به ذهنم رسید: چرا من برم؟ چرا من میدونم رو خالی کنم؟ چرا من عقب نشینی کنم؟ آگه مردی وایسا و اینجا رو تغییر بده. آگه فضا برای بچه مذهبی ها مناسب نیست، بچه مذهبی ها نیان؟ خوب فضا رو تغییر بده و مناسب کن.

تصمیمم عوض شد. مصمم تر از قبل به ادامه کارم فکر کردم. می بایست بجای خالی کردن میدون، فضا رو عوض میکردم. اما چطوری؟ چطوری کاری کنم که تاثیر داشته باشه. نه تشنج آفرین و بدتر موجب اختلاف بیشتر!

با خودم دودوتا چارتا کردم و راهش رو پیدا کردم. راهش خودم بودم. اما خودم هم مشکل داشتم. اول باید روی خودم کار میکردم. تا خودم مشکل داشتم، نمیشد کاری کرد.

باید اول رفتار خودم رو درست میکردم.

دیگه هدفمند رفتار میکردم. میدونستم چکار میکنم.

اول از همه رفتم سراغ ابدارچی. آدم زحمت کش و خوبی بود. اما همیشه از رفتار دیگران زجر میکشید. خیلی مراعاتش رو نمیکردن. کمکش میکردم. آگه میدیدم ظرف کثیفی داخل ابدارخونه مونده، اون رو میشستم، بعضی وقت ها زباله ها رو جمع میکردم و ... بنده خدا ابدارچی خیلی بهم احترام میگذاشت. شده بود یکی از حامیان من!

میگفت خجالتم نده. بهش میگفتم: مشتی، خجالت رو من باید بکشم که بهت زحمت میدم.

شروع کردم با پول شخصی، برخی مطالب سبک زندگی و روابط اجتماعی - اسلامی رو چاپ کردن و نصب می کردم در برد شرکت. البته چون مشتی نصب میکرد، فکر میکردن از طرف شرکت.

برخوردم رو با اون هایی که رفتار سالمی داشتند گرم و محترمانه نگه داشتم و با سایرین سرد و بی روح.

به مشکلاتشون رسیدگی میکردم، اگر میشد حلشون میکردم، به درد و دل ها گوش میدادم و راهنمایی میکردم. حتی توی کار هم اگر مشکلی داشتند یا مرخصی میرفتند، من به جای اون ها، کارها رو انجام میدادم.

همه متوجه شده بودند علت رفتارم چه هست. و کم کم اونهایی که می خواستند رفتارم باهاشون سرد نباشه متوجه میشدن مشکلشون کجاست.

به تدریج رفتارها شروع به تغییر کرد. طوری رفتار میکردند که نظرم رو نسبت به خودشون عوض کنند. میدونستن باید چکار کنند

دیگه هر روز که به شرکت میرفتم یک تغییر میدیدم. حجاب ها بهتر شدند، دیگه حداقل جلوی من شوخی نمیکردند. تغییر رفتارها جلوی من، یواش یواش باعث شد وقتی که من هم نباشم، دیگه اون کارها رو انجام ندن.

من به هدفم رسیدم. اما وظیفه من سخت تر شد.

این تغییر رفتارها حتما بخاطر لطف خدا و برکتی بود که به حرکتم داده بود. باید کاری میکردم این تغییرات بخاطر عقیده من باشه، نه شخص من. بعد خودم هم باید مواظب رفتارم میبودم. رفتارم رو به حساب شخص من نمیگذاشتند بلکه به حساب عقیده من میگذاشتند. در واقع من رو نماینده یک طرز فکر میدونستند. اگر کار اشتباهی انجام میدادم، سریع جبرانم میکردم.

یه روز ابدارچی برگشت بهم گفت: خدا خیرت بده، واقعا آدم خوبی هستی. اون وجودت خوبه.

بهش گفتم: مشتی، خوبی ندیدی، ما کجا و خوبی کجا، حالا مونده تا ما خوب بشیم. ببین مشتی، آگه همه گوش به حرف بدن، همه خوب میشن.

گفت: آره دیگه، باید به حرف تو گوش بدن!

خنده ام گرفت. گفتم به حرف من گوش بدن؟ من کی باشم؟! خودم باید حرف گوش بدم.

گفت: حرف کی؟ گفتم: خدا!!!

برگشت و رفت و زیر لب تکرار میکرد: خدا...

حالا دیگه فضا، فضای خوبی بود.

نویسنده: khademoshahid







بسم الله الرحمن الرحيم

احتمالا ایشان را با نرم افزارهای اندروید مختلفی که تولید کرده اند می شناسید اما زمینه فعالیت های ایشان فراتر از اینهاست. صاحب چندین رتبه کشوری در زمینه وبلاگ نویسی و اختراع و طراحی های گرافیکی و حتی عکاسی! خواندن حرفهای این همسنگر گرمی و پرتلاش را به همه توصیه می کنم

## سلام علیکم

### با اینکه خیلی از اعضای سایت شما رو میشناسند ولی لطفا خودتون رو معرفی بفرمایید

بنده امید امیدی، دانشجوی سال سوم دکتری تخصصی مهندسی مکانیک بیوسیستم هستم و در حال حاضر مشغول تحصیلم. نام کاربری من در افسران همان اسم و فامیلم هست. (omidomidi)

### لطفا کمی در مورد گرایش رشته تون توضیح بدید

رشته مکانیک بیوسیستم یکی دو سال هست که از ادغام چند گرایش صنایع غذایی، طراحی ماشین های کشاورزی و صنایع فرآوری محصولات کشاورزی ایجاد شده و در واقع ارتقا یافته رشته مهندسی مکانیک ماشین های کشاورزی است. اهداف و آمال این رشته هم رشد علمی صنایع، سخت افزار و فنون بررسی و شناسایی محصولات کشاورزی و غذایی در قبل، حین تولید و بعد از برداشت و تولید مواد غذایی و کشاورزی است. دانشجویان این رشته به قدر کفایت از تمامی تخصص های برق و الکترونیک، مکانیک، موتور، زراعت، باغبانی، دامپروری، کامپیوتر در راستای ارتقاء فنی علوم کشاورزی بهره مند هستند.

### چه مدت هست در فضای مجازی فعالیت دارید و چطور با افسران آشنا شدید؟

فعالیت جدی من در فضای مجازی از سال ۱۳۸۵ به بهانه مسابقات بین المللی الکترونیک پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله شروع شد. این شروع وبلاگ نویسی بود و کم کم به توسعه کمی و کیفی وبلاگها رسید و امروز به شبکه های اجتماعی سوق پیدا کرده. شبکه افسران را هم در تبلیغات اولیه شبکه در هنگام راه اندازی عمومی شناختم. یادم هست اون روزها یک شبکه دیگه هم از شمایل و تم افسران استفاده کرده بود. خلاصه در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۹۰، بعد از نهار! عضو شبکه شدم. البته قبلا در گوگل پلاس بودم اما الان یکی دو سالی هست اکانت گوگل پلاس را حذف کردم و تنها در افسران عضو

### با چه نوع کاری در اون مسابقات شرکت کردید؟ نتیجه چی بود؟

من وبلاگ پیامبر امید را در اون مسابقه شرکت دادم. اوایل فقط متن در وبلاگ پست میکردم اما بعداً برای بقیه وبلاگها بنر و لوگو و حتی قالب میساختم. توی مسابقه خدارا شکر دوم شدم. وبلاگ را هنوز دارم و یکی از وبلاگ های قدیمی ام هست و هنوز فعاله. [peyambareomid.blogfa](http://peyambareomid.blogfa)

البته در بخش کتابخوانی هم برگزیده شدم.

از فعالیت هاتون در سایت متوجه شدیم که برنامه نویسی اندروید انجام میدید. با وجود اینکه رشته شما مکانیک هست چطور شد به سراغ برنامه نویسی اندروید رفتید؟

میشوند اما مشکلاتی دارند که باید برای صنعتی شدن و استفاده در صنعت بهینه شوند که با این مشکلات و حتی سرقت های علمی و اسناد امکان این بهینه سازی وجود ندارد. خیلی از اساتید با اینکه رزومه خیلی خوبی دارند اما تنها هنر علمی آنها نوشتن و چاپ مقالات است. وگرنه هیچوقت در یک آزمایشگاه یا کارگاه آنها را نمیبینید. همه اینها دست به دست هم میده که نمود کارهای پژوهشی و اختراعات به شدت ضعیف باشد. کافیه یک روز به اداره ثبت اختراعات سری بزنید. از اینهمه ثبت روزانه اختراعات تعجب میکنید که پس چرا وضع مملکت اینجوریه. اما میبینید یک کباب پز ثبت اختراع میشه. یک موتور درونسوز داخلی هم ثبت اختراع میشه. کباب پز تجاری میشه با هزار تبلیغ و سود آوری کاذب. اما موتور درونسوز به علت مافیای تولیدات اتمبیل تنها در حد یک گواهی باقی می مونه!

### وضعیت کشاورزی در ایران رو چطور می بینید؟

در کشاورزی مدرن صنعتی خیلی ضعیف هستیم. بسیار متکی به صنایع خارجی هستیم. به صنایع توانمند داخلی در فاز کشاورزی اصلا توجهی نمیشه. به وضوح دست مافیای قدرت و ثروت در این بخش سود آور کشور مشهوده که در حال واردات بی رویه محصولات و صنایع و وابسته کردن کشور به ازای ثروتمند کردن خودشون هستند. تمام پیشرفت های ما در بخش بیوسیستم مثل تولید بیوگاز، بیودیزل، سورتینگ پیشرفته، تکنولوژی های هوش مصنوعی، ناوبری ها و همه و همه در بخش کشاورزی استفاده نمیشوند و اگر قرار هم باشه عملی شوند بیشتر در بخش نظامی مورد استفاده قرار میگیرند. نخبگان رشته بنده یا به سمت رشته های مکانیک میروند و یا بعد از تحصیل در کارخانجات اتمبیل سازی یا نظامی مشغول کار میشوند. چون در این زمینه ها توانمندی های خوبی دارند. خصوصا در بخش زمینی نیروهای مسلح. اما بخش کشاورزی به دلیل بی توجهی، خرافات، عادت با کشاورزی کلاسیک و منابع فراوان خاک و آب در فقر توسعه ای به سر میبره. واقعا یک پدر و یک راهبر در بخش کشاورزی نیاز هست تا انقلابی در این زمینه بشود. در این صورت میتوان مشت محکمی به عقب ماندگی ها زد.

### در صورت ادامه تحریم ها یا افزایش اونها می توانیم به خودکفایی نسبی برسیم؟

همانطور که گفتم با بی توجهی ها و رانت های پنهان و آشکار الان صنایع کشاورزی ما وابستگی شدید به ماشین آلات دارد. در ابزار های ساده و قدیمی مثل تراکتورهای ساده، کمباین ها، برداشت کننده های مرسوم مثل چاچر ها و بقیه ابزارها در کشور تولیدات داریم. اما در ۶۰ درصد بخش کشاورزی هنوز برداشت، کاشت و داشت همه سنتی و کلاسیک هست. به شدت منابع به هدر می روند. آبیاری سنتی است مگر اینکه سدی در نزدیکی زمین ها وجود داشته باشد برای

ماهیت رشته من مکانیک نیست. اساس و پایه رشته بنده کشاورزی است. من قبل از ورود به این رشته علاقه زیادی به کامپیوتر داشتم و در سنین نوجوانی بالاتر از سن خودم اطلاعات داشتم. حتی با سیستم عامل داس در سن های ۱۳ و ۱۴ سالگی به خوبی میتونستم کار کنم. اما بالاخره جبر رتبه کنکور و نداشتن هزینه دانشگاه آزاد مجبورم کرد وارد این رشته بشم. اما هنوز پیگیر علاقه مندی خودم هستم و آرزو میکنم روزی بشود از پایه سراغ رشته کامپیوتر بروم. الان که محدودیت نظام وظیفه دارم. همیشه هم دنبال برنامه نویسی بودم. حتی با این تکنیکی که بلد بودم از خیلی از بچه های هم دوره ای خودم در اموری که متکی به رایانه بود جلوتر بودم. خدا را شکر به خوبی توانستم بین علاقه مندی و رشته تخصصی ام تلفیق ایجاد کنم.

### در رابطه با رشته تخصصیتون تولید ویژه ای داشته اید؟

پایان نامه ارشد من طراحی و ساخت یک دستگاه تمام خودکار درجه بندی گوجه فرنگی بر اساس رنگ، اندازه، شکل و عیوب بود. این دستگاه تنها نیاز به یک اپراتور نیمه وقت داره. دستگاه را ثبت اختراع کردم اما بهش توجهی نشد. الان در حد یک نوشته باقی مونده. بقیه کارهایم هم پژوهشی بوده است.

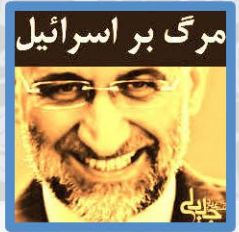
## من هیچوقت نمیگذارم یک شبکه اجتماعی مثل افسران جای روابط کلاسیک اجتماعی ام را بگیرد

### فکر می کنید مشکل این بی توجهی به اختراعات چیه؟ آیا به خاطر پایین بودن سطح اختراعات نسبت به مطالبات صنعتی هست یا بحث بی توجهی به نیروی داخلی یا منافع زودگذره؟

فکر میکنم صنایع یا به دنبال پروژه های خیلی بزرگ هستند و یا به دنبال پروژه هایی هستند که خیلی زود بازده باشد. پروژه های بزرگ هم به دلیل اینکه کار گروهی خصوصا در دانشگاه ها تا طرفهای کار ذینفع نباشند هیچوقت وجود نداشته کیفیت لازم را ندارد. کارهای زود بازده هم که هیچ وقت در صنایع سخت افزاری رخ نخواهد داد چون نیاز به سعی و خطا دارد. از طرفی گردش اطلاعات در ایران بسیار ضعیف است. مثلاً فردی خواهان ادامه یک فعالیت یا موضوع انجام شده باشد نمیتواند به آن تحقیق یا پایان نامه دسترسی داشته باشد. خود بنده برای توسعه یک کاری که تنها یک بار در ایران انجام شده اون هم در خارج از کشور و در ایران فقط داده کاوی شده بسیار سختی کشیدم. هنوز هم منابع لازم را نیافتم. اختراعات با اینکه ثبت







# مصائب کلمه Omidomidi

و برای همین زیاد اهمیت به ایده های بنده نمیدهند. بوده که در جلسه های مختلف وقتی درباره خطرات شبکه اجتماعی صهیونیستی و امریکایی توضیحاتی دادم یا خطرات برخی بازی ها را در بین بچه ها متذکر شدم حتی توسط برخی روحانیون مورد تمسخر قرار گرفتم. در هر حال تلاش میکنم برای دست و پا کردن یک عنوان حقوقی

## به وضوح دست مافیای قدرت و ثروت در این بخش سود آور کشور مشهوده که در حال واردات بی رویه محصولات و صنایع و وابسته کردن کشور به ازای ثروتمند کردن خودشون هستند

**ان شاء الله که موفق باشید ... شما کاربر سایت افسران هم هستید به نظرتون در این شبکه اجتماعی ، جنگ نرم به معنای واقعی انجام میشود ؟**

تا حدی بله. نشانه آن هم باز خورد محتوایی این شبکه در رسانه های بیگانه است. حتی توجه وهابیت و صهیونیسم و بقیه دشمن ها به این شبکه جالب بوده. عضویت شارولین خبیث و چند وهابی را همه یادمان هست. این یعنی تاثیر گذاری. البته مشکلات فنی زنجیر بزرگیه که به دست و پای افسران توی این راه بسته شده که امیدوارم حل بشه

**غیر از مشکلات فنی چه عواملی ممکنه باعث بشه شبکه این قدرت تاثیر گذاری رو از دست بده یا میزانش کم بشه ؟**

اگر در بین کاربران یه جوی ایجاد شود که نشه سلايق متفاوت را مدیریت کرد و یا با تشنج های لحظه ای که توسط چند کاربر که با همین هدف وارد سایت شدند مقابله نشود به نظرم میتونه تدریجا از تاثیر گذاری کاسته بشه. اما خوشبختانه هرچند به هم ریخته گی هایی در این دو سالی که بودم به وجود آمده اما باز خود کاربران محیط را کنترل کردند. هرچند نظریه ای هست که افسران نسبت به سالهای قبل بدتر شده اما نظر من اینه که محیط افسران بهتر شده چون ذهن ها باز تر شدند.

**آیا افسران انتظارات شما رو برآورده کرده ؟**

تا حدی میتوانم بگویم بله. فضای افسران را هیچ شبکه اجتماعی در دنیا ندارد و این فضا مطابق روحیات بنده است و یا حداقل مطابق میلیم است. البته باز هم جدا از قدرت وامکانات شبکه و سایت که محدودیت هایی ایجاد میکند، افسران برای من، برای پیگیری انتظاراتم از یک شبکه اجتماعی، در حد یک فرد قانع! کافی بوده است.

**پس وضعیت مطلوب تری برای شبکه در نظر ندارید؟**

به نظرم وضعیت وطلوب تر در این زمان رشد فنی سایت

ساده میشه پایه های خوبی برای بچه ها ایجاد کرد. و هدف آخر هم امور داخلی در راستای فرمایشات حضرت آقاست. مثل سبک زندگی، اقتصاد مقاومتی و موضوعات اهم دیگر. که توی این زمینه ها هم کارهایی کردم.

**بسیار عالی ... ترجمه به چه زبان هایی بوده ؟**  
فرانسه، عربی و انگلیسی

**غیر از این نرم افزار ، تا الان با اندروید چه محصولاتی تولید کرده اید؟**

برنامه ها خداراشکر زیاد بوده. برنامه نهج البلاغه و نهج الفصاحه هردو مایه برکت اینکار شدند. الان بیش از ۳۰ برنامه مذهبی، ارزشی و علمی در مارکت ها منتشر کردم. برخی برنامه ها استقبال خیلی خوبی داشتند. مثلا نهج البلاغه روزانه حدود ۱۵۰۰ دائلود دارد. آن هم تنها در یک مارکت. برخی از این برنامه ها هم به زبان های انگلیسی و فرانسوی در مارکت های جهانی حتی با وجود تحریم ها توسط برخی دوستان منتشر شده. البته این یک سال اخیر برخی برنامه ها هم توسط بانیان دیگری به بنده سفارش داده شده. مثل برنامه های نور، مشکات، رحمان که از مجموعه احادیث خیلی خوب در مارکت ها شدند.

**در بخش این محصولات با مشکلاتی مواجه بوده اید؟**

مشکل نشر این برنامه ها بیشتر در حوزه اجازه و حقوق نشر محتوای آنهاست. مثلا بنده دوسال پیش برنامه ای با کیفیت غررال حکم برای میزان الحکمه منتشر کردم که به شدت از طرف موسسه دارالحدیث تویخ شدم. در صورتی که محتوای این کتاب به طور رایگان در اینترنت منتشر شده است. که یادم هست که در آن روزها خیلی دلسرد شده بودم. هنوز هم که این برنامه در آرشو خودم خاک میخورد. اما در بقیه مسائل خداراشکر حدود ۷ مارکت خوب ایرانی داریم که مشکلی در انتشار نیست.

## اولین هدفم نشر معارف شیعی در دنیا است

**آیا تحت حمایت ارگان یا موسسه فرهنگی هستید یا بطور خودکفا فعالیت می کنید؟**

نخیر. بنده یک سنگر یک نفره دارم. تنهایی کار میکنم. البته تشویق دوستان مثل موسسه سراج هست. اما اینکه همکاری در کار داشته باشم، نخیر، ندارم.

**قصد ندارید یک مجموعه یا گروه برای ایده هایی که دارید تشکیل بدید ؟**

متأسفانه با اینکه بارها اقدام کردم اما موانعی وجود داشت. برخی الزام به داشتن یک مکان داشتند و یا برخی اصرار داشتند زیر لوای یک تشکل دیگر فعالیت کنم. از طرفی دوستان همکاری در اطراف خودم ندارم و بیشتر دوستان همکاری در کار فرهنگی کلاسیک دارند. یک معضل دیگه اینه که متأسفانه در شهر ما هنوز جایگاه فعالیت مجازی و نرم افزاری شناخته نشده

آبجاری بارانی یا قطره ای. کشورهای توسعه یافته الان حتی میوه های خودشان را با ماشین برداشت میکنند. الان به یک مهندس کشاورزی در ایران بگویم ماشینی طراحی کند تا پرتقال برداشت کند به شدت تعجب میکنند. اما امریکا الان ماشینی دارد برای اینکار که یکی از بزرگترین ماشین های دنیاست. یا حتی برداشت برگ چای. برداشت زیتون. و این جور محصولات واقعا توانمندی در ایران و دانشجویان هست که طراحی و ساخت داشته باشیم. اما اساتید و دانشجویان تنها هدفشان مقاله است و صنایع هم اعتمادی به محصول داخلی ندارند و پشتیبانی نمیکند. به همین دلیل دانشجویان این رشته هم بیشتر سمت علوم کامپیوتری، نظامی و اتومبیل میروند. با این روند بنده امیدی به خودکفایی صنعتی در بخش کشاورزی نمیبینم.

## واقعا یک پدر و یک راهبر در بخش کشاورزی نیاز هست تا انقلابی در این زمینه بشود. در این صورت میتوان مشت محکمی به عقب ماندگی ها زد

**برگردیم به فضای مجازی! به عنوان یک کاربر فضای مجازی چه انتظاراتی از یک شبکه اجتماعی دارید ؟**

جدا از امکانات و کاربری شبکه، یک شبکه اجتماعی تعریف عمومی خودش را دارد. اما من این تعریف را برای خودم محدود تر کردم. بخشی از فعالیت ها تنها محض سرگرمی و گذراندن وقت، بخشی برای تولید محتوا و بخشی برای یادگیری محتواست. من هیچوقت نمیگذارم یک شبکه اجتماعی مثل افسران جای روابط کلاسیک اجتماعی ام را بگیرد. انتظار دارم در یک شبکه اجتماعی حرف های ساده، تحلیل ها و نتیجه گیری هایی که قبلا در ذهنم مرور میکردم و نمیتوانستم در اجتماع واقعی بروز بدهم در این شبکه ها بگویم و عواقبی برایم نداشته باشد. همچنین شبکه اجتماعی مجازی را جایی برای عرضه فعالیت ها و محتوای تولیدی ام و بعد تحلیل برخورد، عکس العمل و نظر دیگران نسبت به این فعالیت هایم میدانم. و در انتها از محتواها، نظرات، تحلیل ها و بازخوردهای دیگران در باره موضوعات متفاوت استفاده کنم. در واقع به صورت کلی شبکه اجتماعی را یک چالش (حتی در حد چالش معتاد کننده) برای تحلیل ها و ایده زایی هایم برای جنگ نرم میدانم

**در جنگ نرم چه ماموریتی برای خودتون قائل هستید؟**

قبلا در هر جا و موضوعی کار میکردم و مأموریت خاصی برای خودم قائل نبودم. اما جلوتر که رفتم چند هدف و اولویت برای خودم گذاشتم. اولین هدفم نشر معارف شیعی در دنیا است. به دنبال ترجمه های کتاب های بزرگ شیعی هستم که با تبدیل به نرم افزار در اختیار شیعیان دنیا قرار بدم. مثل کتاب نهج الفصاحه که در گوگل پلی به کمک یه دوست شیعی هندی قرار دادم و حتی از اسرائیل هم دائلود داشتیم. هدف بعدی جنگ محتوایی علیه تفکرات انحرافی است. مثل وهابیت. به دنبال یادگیری بازی سازی هستم. حتی با بازی های







**مناسفم ... همچین قصدی نداشتم: فکر می کنید جای چه کسی از نخبگان که میشناسید تو شبکه خالیه؟**

خواهش میکنم. شوخی کردم. جای نخبگان علمی و صنعتی در افسران خالیه. واقعاً میشه به نحوی که گفتم از این قشر استفاده کرد. اعتقاد من اول جهاد علمیه. پس باید الگوی علمی هم داشت. از طرفی نمود بیشتر نخبه ها میتونه حس اعتماد به نفس و تشویق بیشتری توی این راه داشته باشه

**از نظر شما یک کاربر خوب چه نوع کاربری هست؟**  
یک کاربر خوب کاربریه که دعوا نکنه! این شوخی بود اما جدا از شوخی تعریف کاربر خوب در افسران خیلی سخته. بودند کاربرانی که خیلی بچه ها دوستش داشتند اما یکدفعه تغییر رویه دادند و غیر فعال شدند. اما از نظر من کاربر خوب اینه که نه زیاد مثبت باشه و نه زیاد منفی. خود من به شخصه در شبکه اجتماعی تنها هوای حق را دارم. حتی رفیق فابریک افسرانی ام باشد و حرف حق نزد هم برایش گزارش رد میکنم و هم منفی میدم. واقعاً تعریف کاملی نمیتونم از کاربر خوب در افسران بهتون بدم.

**اگر مدیر سایت بودم تنها مدیر سایت بودم. در افسران زیاد فعالیت میکردم تا خودم سختی های ناشی از مشکلات فنی، مشکلات بین کاربران و بقیه مشکلات را درک و احساس میکردم**

**خیلی ممنون که وقتتون رو در اختیار نشریه قرار دادید اگر صحبت یا پیامی به عنوان کلام آخر برای کاربران شبکه دارید بفرمایید.**

من هم خیلی سپاسگزارم از محبت شما و نشریه در آخر هم میخوام یک معضل بزرگ را که بین اغلب بچه های ارزشی خصوصاً توی دانشگاه میبینم بگم. اینکه جهاد اول همه ما تحصیل و علمه. وقتی از لحاظ علمی حداقل در نمود وضعیت نمرات و درس دانشگاهی قوی باشیم میتونیم توی کرسی های آزاد اندیشی، دیدار با مسئولین، شرکت در تشکل های بسیج و تشکل های ارزشی دیگه و حتی در بحث های کلاسی تأثیر گذار باشیم. به همه دوستان و به ویژه خودم نصیحت برادرانه میکنم پایه و اولویت اول زندگی و کارشون را علم و درسشون قرار بدهند. بعداً میتوان به همه چیز رسید. تنها علم ماست که با افزایش کیفی و کمی دشمن هیچ جور نمیتونه جلوش را بگیرد. در هر چیز دیگه میبینید که دشمن به راحتی میتونه تمام بافته های ما را پنبه کنه. اما برای علم فقط مجبور هست دانشمندان را از بین بیره. پس علم از همه چیز مهمتر و ماندگار تره. از نشریه، از مجموعه افسران که انشالله در آینده دیگه باید بگیم مجموعه جنگ نرم افسران با شعبه های استانی و از همه شما متشکریم.

**لزوم کاربران به رعایت خیلی از قوانین ارزشی که در شبکه های اجتماعی دیگر نیست و حتی در لیست قوانین افسران هم نیست و کاربران خود در بین خود وضع کردند، باعث ایجاد یک فضای سالم برای بهره برداری های ارزشی و سالم میشود**

**شبکه اجتماعی افسران چه تاثیری بر زندگی شما گذاشته؟**

هیچ! نباید هم تأثیر بگذارد. البته یادگیری اطلاعات، اخبار و روش ها و آموزش ها و بازگویی برای دیگران هست اما اینکه بخواد تغییری در روش زندگی و اثرگذاری محکم داشته باشه، نه، نداشته است. بگذریم از بی خوابی های برخی شب ها! که نیم ساعت چک کردم رخدادهای منتهی به سه ساعت همراهی با دوستان میشه.

**اگر مدیر سایت بودید چه اولویتهایی برای فعالیت داشتید؟**

با احترام کامل به hojjat عزیز، اگر مدیر سایت بودم تنها مدیر سایت بودم. در افسران زیاد فعالیت میکردم تا خودم سختی های ناشی از مشکلات فنی، مشکلات بین کاربران و بقیه مشکلات را درک و احساس میکردم. همیشه هم دنبال جذب نبودم. دنبال نگه داشتن بودم.

**چه عواملی رو در جذب نخبگان به سایت موثر می دونید؟**

بگذارید من این سوال را از شما بپرسم که چه لزومی به حضور نخبگان در شبکه اجتماعی است؟

**قرار نیست شما از بنده سوال کنید! ولی به صورت کوتاه عرض می کنم به همون دلیل که وجود نخبگان برای قدرت گیری جوامع حقیقی لازم است**  
یک لحظه احساس فیلم های بازپرسی جنایی دهه اول انقلاب بهم دست داد!!!

باید برای نخبگان برنامه داشت. نخبگان در این شبکه ها انطوری که ما انتظار داریم فعالیت نخواهند کرد. شاید این شبکه ها به نحوی دست و پای فعالیت های سابق نخبگان را ببندد. پس باید هدفمند آنها را به عضویت در این شبکه ها ترغیب کرد. با عضویت هر نخبه انتظارات دیگر اعضا از وی خیلی زیادتر میشه. چون اضلاع ارتباطی اون فرد با مردم بیشتر میشه. پس باید استفاده مفید داشت. به نظرم حضور نخبگان در فضاهایی مثل شبکه آرمان، و این گونه رسانه های مرتبط با شبکه های اجتماعی خیلی بهتره تا کاربری کلاسیک. نخبگان وظیفه تولید محتوا داشته باشند. یعنی تا محیط مناسب برای گسترش اضلاع ارتباطی آنها فراهم نکردیم نباید انتظار فعالیت نخبه گونه در فضای اجتماعی توسط نخبگان داشت.

و خدمات اونه. حتی در بخش تلفن همراه خیلی این رشد فنی واجبه. باقی مسائل برای من حداقل راضی کننده است.

**شما خودتون برای این رشد فنی بویژه در بخش تلفن همراه ایده دارید؟**

بیشتر بخش فنی نرم افزار همراه افسران هست. منظورم ارتقاء انعطاف اون. یعنی قابلیت های افسران موبایلی را بیشتر توسعه بدیم. میبینید برنامه های مثل واتز آپ یا وایبر از شماره تلفن افراد استفاده میکنن. کاری به هدف اونها ندارم اما استفاده از شماره موبایل افراد یک آی دی انحصاری است و افراد میتونن خیلی راحت همدیگر را در شبکه پیدا کنند. این مورد برای افرادی که در یک راستا فعالیت دارند خیلی مناسبه.

**بهترین بهره برداری از این فضا چیست و چگونه حاصل میشه؟**

گفتم که فضای افسران با فضای دیگر شبکه های اجتماعی فرق میکند. پس حتماً بهره برداری ها در افسران هم فرق میکند. به نظرم سرگرمی و وقت گذرانی افراطی در افسران ممکن نیست و این خوب است. لزوم کاربران به رعایت خیلی از قوانین ارزشی که در شبکه های اجتماعی دیگر نیست و حتی در لیست قوانین افسران هم نیست و کاربران خود در بین خود وضع کردند، باعث ایجاد یک فضای سالم برای بهره برداری های ارزشی و سالم میشود. وقتی محتوای شبکه در راستای ارزش ها، خوبی ها و با نگاه به افق انقلاب اسلامی است، یعنی یک خانه شکلاتی بزرگ که در اختیار یک عده علاقه مند به شکلات به صورت رایگان قرار داده شده است. (این مثال به نظرم مثال خیلی خوبی بود، هرچند کودکانه و رویایی!) یعنی بهره برداری ساده، سریع، خوشمزه و آسان. اگر کسی بهره برداری خوب نمیکند دیگر تقصیر صاحب خانه چیست؟!

**به نظر شما مهمترین مشکل سایت چیست؟**

انتظارات من از افسران تا حد زیادی برطرف شده است. به نظرم معضل بزرگ سایت همان خانواده فخیمه خطاهای ۵۰۰ است! در تعجبم که درخواست های دسترسی به افسران با آی پی خارجی تا آنجایی که من امتحان کردم به این خانواده فخیمه نمیرسد!!!

**اعتقاد من اول جهاد علمیه. پس باید الگوی علمی هم داشت. از طرفی نمود بیشتر نخبه ها میتونه حس اعتماد به نفس و تشویق بیشتری توی این راه داشته باشه**

**نسبت به فضای موجود در سایت نقدی هم دارید؟**

نقد بنده تنها و تنها مشکلات فنی سایت هست و بس. البته چون جنسیت کاربران و نحوه برخورد با آنها هم در این شبکه مهم هست اگر میشد راحت تر جنسیت مخاطب مشخص باشد خیلی بهتر بود. مثل یک نوار رنگی زیر آواتار هر فرد



# احکام

حضرت آیه الله مظاهری: «اگر موسیقی لهوی و تحریک کننده باشد، حرام است.»

طبق برنامه ریزی اعلام شده، بنابراین است که خانه های موسیقی و هنرستان هایی در این رابطه در شهرستان ها تشکیل شود که با عکس العمل مردم مواجه شده است، نظر حضرت عالی با رواج موسیقی چیست؟

حضرت آیه الله خامنه ای: «آموزش موسیقی و ترویج آن برای نوجوانان با اهداف نظام جمهوری اسلامی سازگار نیست.»

حضرت آیه الله مکارم شیرازی: «بدون شک تأسیس این گونه مراکز موجب گسترش فساد است و جایز نیست.»

حضرت آیه الله صافی گلپایگانی: «موسیقی و ترویج و تأسیس مراکز برای تعلیم آن حرام است.»

حضرت آیه الله مظاهری: «باید احترام به افکار عمومی نهاد. باید از تشکیل مجالس گناه خودداری کرد.»

آیا خواندن موسیقی برای زنان در کانال های ماهواره ای اما با حجاب و پوشش، حرام می باشد؟

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای: «هر نوع خوانندگی و نوازندگی که انسان را از خداوند متعال و معنویات و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی بندوباری، بیهودگی و گناه و شهوت رانی سوق دهد، لهوی و مضل عن سبیل الله بوده و حرام می باشد.»

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی: «جایز نیست.»

حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی: «این امور نوعاً خالی از مفسده نیست و باید ترک شود.»

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی: «به نظر اینجانب موسیقی که از آلات طرب باشد مطلقاً جایز نیست.»

حکم شنیدن موسیقی با خوانندگی زن برای مرد چگونه است؟

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای: «اگر صدای زن به صورت غنا باشد و یا گوش دادن به صدای او به قصد لذت و ریبه باشد و یا مفسده ای بر آن مترتب گردد و یا همراه با موسیقی لهوی و حرام باشد، جایز نیست.»

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی: «در هر حال تک خوانی زن اشکال دارد.»

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی: «بطور کلی همه آهنگ هایی که از آلات طرب باشد حرام است و غنا یعنی دور دادن صدا در گلو و خوانندگی زن به صورت غنا و شنیدن صدای او نیز حرام است.»

گردآورنده: ghalandar

رهبر معظم انقلاب در پاسخ به سوالی فرمودند: «... ممکن است موسیقی - به اصطلاح فقهی اش - موسیقی لهوی باشد. لهو یعنی، غفلت یعنی، دور شدن از ذکر خدا، دور شدن از معنویت دور شدن از واقعیت های زندگی، دور شدن از کار و تلاش و فرو غلتیدن در ابتذال و بی بندوباری این موسیقی می شود حرام.»

اگر این با کیفیت اجرا حاصل بشود، اگر با کلام حاصل بشود، فرقی نمی کند. شما می گوئید زبان بین المللی. آن موسیقی بی که به قول خود شما مرزها را در نوردیده و در جاهایی پخش شده، آیا این لزوماً موسیقی خوبی است؟ صرف این که یک موسیقی از مرز فلان کشور خارج شد و توانست به مثلاً کشورهای مختلف برود و یک عده طرفدار پیدا کند، مگر دلیل خوب بودن موسیقی است؟ نه، به هیچ وجه.

ممکن است یک موسیقی بی باشد که به شهوترانی و نشاط های شهوی جوانی تحریک می کند، طبیعی است که یک مشت جوانی که غفلت زده هستند، از این موسیقی خوششان می آید.»

با عرض سلام و آرزوی طول عمر با برکت برای حضرت عالی به عرض می رساند که یکی از مسابقاتی که در امور تربیتی بین دانش آموزان سراسر کشور برگزار می شود، مسابقه ی سرود است. در این مسابقه از ابزارهای موسیقی استفاده می شود و به تجربه ثابت شده که این ابزارها .. گاهی باعث جذب بعضی از دانش آموزان به نواختن موسیقی شده و ترک تحصیل می نمایند... آیا حضرت عالی تجویز می فرمایند همچنان از ابزار موسیقی در مدارس و بین دانش آموزان استفاده شود و اصولاً این ابزارها را از مسائل تربیتی اسلامی می دانید یا نه؟

حضرت آیت الله خامنه ای: «استعمال ابزار و آلات موسیقی در نواختن موسیقی مطرب لهوی حرام است و استفاده از این قبیل آلات در غیر موسیقی مطرب لهوی اگر مستلزم مفاسدی باشد جایز نیست و به طور کلی ترویج موسیقی و آلات آن با هدف های نظام اسلامی منافات دارد.»

حکم استماع موسیقی های صدا وسیما یا اداره ی ارشاد، ساخت و تعلیم و خرید و فروش ابزار آلات موسیقی چیست؟

حضرت آیه الله سیستانی: «اگر موسیقی مناسب مجالس لهو و عیاشی نباشد حرام نیست.»

حضرت آیه الله خامنه ای: «هر گونه نوازندگی مطرب لهوی که متناسب با مجالس عیش و نوش باشد حرام است.»

حضرت آیه الله صافی گلپایگانی: «آنچه را عرف مردم موسیقی می دانند، استماع آن و ساخت و تعلیم و تعلم و فروش آلات آن حرام است.»

حضرت آیه الله مکارم شیرازی: «کلیه صداها و آهنگ ها که مناسب لهو و فساد است، حرام و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف عام خواهد بود.»



# اشعار افسرانی

عجیب نیست تو خوبی ولی به دل غوغاست  
تمام داشته ی ما سلاله ی زهراست

شگفت نیست نداریم تاب خاری که  
رود به پای عزیزی که نائب مولاست

ولی شگفت و عجیب است غفلتی که ندید  
تمام رنج جهان در دل همین آقاست

و مخفیانه بگویند دشمنان خدا  
ولو برای یکی امر آن ولی تنهاست

قرار بود فقط ابرویی به هم آرد  
ز او اشاره و از ما... چرا نشستن هاست؟

هماره ورد لب او بصیرت و اخلاص  
و سبک زندگی و وحدت و غم تقواست

بیا ز زخم دلش نیز دردمند شویم  
و زیر پا بگذاریم هرچه جهل و هواست

tajebandegi



یاد بی تابی بر جانان بخیر  
آن نگاه خیره بر آستان بخیر

دست آرامش نهادن روی قلب  
آن سلام بی غش و آسان بخیر

پنجره فولاد، تو سئل گاه درد  
غمگساری ها بر ایشان بخیر

یاد دیدار ضریح عاشقان  
شور لمس و بوسه ای بر آن بخیر

همهمه در سیل مشتاقان دوست  
یاد آن یاران اشکریزان بخیر

یاد نقاره که وقت رفتنم  
می سرود آوای خوش الحان بخیر

یاد آن تعظیم آخر رو به او  
دیدن گمگشته ی کنعان بخیر

هر کجا رفتیم دلیم راضی نشد  
یاد بی تابی بر جانان بخیر

ostadnovin



# توبه

خدا را در هر لحظه‌ای حاضر و ناظر دانستن،  
آرزوی سالکان صادق الی الله است. لذا در دعاهایشان می  
گویند: خدایا به ما توفیق عنایت کن تا طوری عبادت کنیم که گویا  
تو را می بینیم. این مقام که اصطلاحاً آن را مقام «احسان» می گویند، بالاتر  
از مقام «ایمان» است. البته خود مقام احسان نیز وسط راه است و بالاتر از آن مقام  
«ایقان» است. بنابراین، مقام احسان عبارت از این است که انسان، طوری خدا را عبادت کند  
که گویا او را می بیند.

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیده است: «عبد الله كأنک تراه فإن لم تكن تراه فإنه يراك»  
خدا را طوری عبادت کن که گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند. این «کأن» و «گویا»  
برای کسی است که هنوز در بین راه است. وقتی انسان به اوج مقام شهود رسید، حرف تشبیه می افتد و سخن از  
حرف تحقیق «إن» و «أن» به میان می آید. این، همان مقام امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است که فرمود: «ما كنت أعبد  
رباً لم أره»؛ من آن نیستم که خدای نادیده را عبادت کنم. سالار شهیدان حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) نیز در  
فرازی از دعای عرفه، همین مقام را از حضرت احدیت (جل وعلا) می طلبد و عرض می کند: «واجعلني أخشاك كآتي أراك»  
؛ خدایا مرا طوری تربیت کن و به من آن توفیقی را بده که از غیر تو نترسم و از تو نیز در حد احسان بترسم.  
«إلهي أنا الفقير في غنای فکیف لا أكون فقيراً في فقری... ومن کانت حقائقه دعای فکیف لا تكون دعایه دعای»  
پروردگارا! در آنچه که دارم فقیر و وابسته به تو هستم، پس چگونه در آنچه ندارم بی نیاز و مستقل باشم و بنده در حقایقش جز  
ادعا چیزی ندارد، پس چگونه آنچه را که مدعی آن است بیش از ادعایی باطل نباشد.

آن کسی که تو را نیافت چه یافته؟  
«ماذا وجد من فقدک وما الذی فقد من وجدک لقد خاب من رضی دونک بدلاً»


امام حسین (علیه السلام) در دعای عرفه می فرماید: آن کس که تو را نیافت چه چیز یافته و آن کس که تو را یافت چه چیز را  
نیافته؟ البته خسارت دید هر کس که به جای تو به دیگری تن داد و دیگری را برگزید.  
انسان گاهی از گذشته غمگین و نسبت به آینده هراسناک است. به یاد آنچه از دست داده تأسف می خورد و در این خیال که در  
آینده ممکن است چیزی را به دست بیاورد، هراسناک است.

اگر کسی از گذشته و آینده نجات پیدا کرد از زمان فراتر آمده و روی گذشته و آینده پا نهاده است. اگر بخاطر چیزی که قبلاً  
از دست داده، اندوهگین نباشد و برای آنچه را که بعداً به دست می آورد، خوشحال نباشد؛ به تعبیر علی (علیه السلام): او  
تمام زهد را دارا شده است.

آیت الله جوادی آملی  
ارسالی توسط : afsarejavan







## به راستی «عشق» همان «لبیک» است و یا «لبیک» همان «عشق» است؟

مفهوم تر از نامفهوم

چه عجیب است دنیای درون این انسان!  
انگار مجهول می شود به وقت دوست داشتن.  
هرچند بخواهی محبتِ غیرِ خدا را رجم کنی، نتوانی! که باز هم  
نا خواسته به حرمِ نگاهت قدم می گذارد..  
حتی اگر چله گرفته باشی، به کوه طور نخواهی رسید،  
وقتی «حیّ لا یموت» غیر خدا گشته باشی!  
معنای این تشویش کلمات را خدا می فهمد و بس!  
او نیز عاشق است...

و سه روز تو را حیران خود می خواند، در «عرفات»  
تا هر چه از دنیا طلب کرده ای، آنجا بگویی «عشق» و «عشق» و «عشق» و لا غیر...  
به راستی «عشق» همان «لبیک» است و یا «لبیک» همان «عشق» است؟  
شاید هاجر میان سعی و صفا می فهمد که زلیخا چگونه عاشق  
یوسف حیاتِ خویش بود، تا آن موقع که خدای یوسف را  
عاشق تر نیافته بود.

چه عجیب است حیات و ممات!  
چه عجیب است تماشای خاطرات گذشته، وقتی بخواهی  
اسماعیل درونت را زبح کنی!  
باید چون ابراهیم مصمم باشی! اما نه، باید چون حسین (ع) اقدام کنی...  
و گرنه اسماعیل، یوسف می شود؛ و چون تو، در پیچ و خم طریق  
«کنعان» تا «مصر» غلام هزار خواسته گشته ای، پس یعقوب  
نخواهی شد که به انتظار یوسف چشمش کور شود!  
تو زلیخا می شوی!  
هر دو عاشق بودند، اما این کجا و آن کجا؟

نویسنده : azadandish





AFSARAN.IR